

سخن اخبار دول خارجه

احوال متفرقه

استریه بعد از اقتشاش در شهر میلان بعضی از احکام سخت و قانون غریب بجهت نظم آن شهر گذاشته اند
 خانهای شهر بویچیک از سه مرتبه کمتر نیستند و حکم شهر بود از بچه های مرتبه دوم که رو بکوچه نگاه میکند از هر کی روشن کرده بیاورند حال این حکم موقوف شده است
 که اینک بشنوند که در کوچه معرکه شده یا صدای بیرون می آید آن باید صاحب خانه فائوس از مرتبه دوم خانه اش بیاورد که کوچ روشن نبود و اگر صدای توپ یا اصواتی از خانه شهر میلان بیاید آنوقت باید از کل خانهای شهر فائوس روشن باین قسم بیاورند حکم دیگر اینکه اگر در شهر اقتشاش باشد صاحب خانه باید در خانه اش را ببندد و کسی در میان چه نباید باز ذرا که اگر در کوچ کسی باشد بمقصر من شنبه خواهد حکم دیگر آنکه بعد از یک ساعت از غروب آفتاب تا وقت طلوع هیچکس اذن ندارد که نزدیک چهار یا پستیانها شهر برود و اگر کسی در آنجا پیدا شود مورد مواخذة و تنبیه خواهد شد بعد از اقتشاش مزبور دیوان شهر میلان را جریمه کرده بود و این جریمه بجهت سبب اخراجات قشون ساخو آنجا گرفته میشد درین روزها تخفیف درین جریمه داده شده و آنچه بجهت بخت گرفته می شد حالا نصف کرده اند اما از اول این جریمه تا تاریخ روزنامه آخر دیوان چهار صد هزار فرانک که تخمیناً چهل هزار تومان پول ایران میباشد با صد ریس کا و بجهت خوراک و چاه ریس ماده کاوشبری از اهل شهر بجهت قشون دولت گرفته اند

موفق حجتاً که در روزنامه انگلیس چاپ زده اند از اول پیدا کردن طلا در مملکت استرالیایا تا بحال تخمیناً صد و پنجاه طلا از آنجا آورده اند و بخارج فرستاده اند که قیمت او چهل کر و حساب پول ایران میشود
 در باب بیرون رفتن رعایای انگلیس بینکی دنیای شتابان مور روزنامه با نیطور نوشته اند که انقدر از زارعین انگلیس از مملکت ایرلند بیرون فرستاده اند که در بعضی بلوکات رعایا بسیار کم شده اند حتی مستاجرین از برای رعیت که رعیت میکند معطل مانده اند در پانزده و سیستان باران زیاد شده و در اکثر جاهای ولایت انگلیس چنان سیل آمده و زمین کل شده بود که نتوانسته بودند تخم بکارند از آنجهت در اکثر که زمین قدری خشک شده و فصل تخم کاشتن بود در اکثر بلوکات ولایت ایرلند رعایا لازم داشتند که زمین بسیار بکنند و تخم بکارند با اینکه مزد زیاد باین اشخاص داده اند باز در بعضی جاها کم یاب بوده اند رعایای که از آن قسمت بولایت بینکی دنیا رفته اند چونکه در آنجا که از آنشان خوب میشود پول میفرستند نیز واقوام و خودشان که در ولایت مانده اند که تدارک خود را از زمینکی دنیا برونند و جنسی ترویج بجهت وقت درودارند میکنند که اگر حالاکه وقت تخم کاشت رعایا با اینطور کم باشند در وقت درو وسیع کردن حاصل که عمله و زمین زیاد تر لازم باشد چه خواهند کرد و مملکت انگلیس اگر زراعت مثل فله روز مزد کار می کنند سابقاً بجهت زیادتی جمعیت مزد با آنها کم می رسید و درست که از آنشان نمی شد حال که در

۷۳۵

چند سال بعد از آن ولایت بیرون رفته اند و خود در آنجا
 کم بای شده است مزد زیاد میدهند و کارشان بسیار
 خوبتر پیش برود بعضی ممالک است که آبادی زیاد است
 همین احوال را دارند در آن زیاد از آنجا مینسکی دنیا دسار
 جای روی زمین است اندک در روزنامه نوشته اند که
 کما بحال بعد از رعایا از آنجا بیرون رفته باشد که در این
 رعایا در آنجا کم بای شده باشد ممالک است که آبادی زیاد
 دارند و مردم از آنجا مینسکی دنیا مبروند است شمال ولایت
 افتاده است خصوصاً از آنجا که در بعضی قسم از پرورش
 ممالک مینسکی

در یکی از روزنامه های سیوس نوشته اند که در جانی از کوه های
 آلبتس برف زیاد بدتر افتاده بود که درین ولایت همین
 میگویند و حاصل بسیار خراب کرده و درختها شکستند
 و خانه های که یکی یکی در اطراف ده بودند خراب کرده بودند
 و تمام در زیر برف مانده بود چهارصد نفر از رعایای آن اطراف
 جمع شده بودند که مردمی را که در زیر برف مانده بودند بیرون
 و دوازده نفر زن و نعلبند بیرون آورده بودند و
 بسیاری هم از حیوانات اقبیل اسب و گاو و غیره در زیر
 برف مانده اند و سوزنند اندک چند مال و آدم در آنجا
 تلف شده باشند

در یکی از روزنامه های هند در باب مملکت سیام نوشته
 که پادشاه این ولایت سی هزار قشون بطور نظام فرستاد
 دارد و صاحب منصبان آنها همه از اهل نکلین باشند
 که با از نظام انگلیس اخراج شده با خود از خدمت استخفا
 کرده و حالا رفته اند و بان دولت خدمت می کنند

در روزنامه فرانس نوشته اند که شخصی که در علم جراحی
 طبابت مهارت و حدقت داشت و نام او موسیو فلورین
 چنان دریافت کرده بود که بعضی از غذاها که برنگ لوان
 اینجه باشد همان رنگ باستخوان حیوانی که بخورد تا
 میکند درین روزنامه موسیو فلورین نام نیز این مرحله را فحشده
 و ابریشم را بعل آورده است با اینطور که هر چه برک توت
 که بگرم ابریشم داده است در میان نیل گذاشته است
 و ابریشمی که بعل آمده بود در رنگ نیل برداشته بود و رنگ
 دیگر هم برک توت داخل کرده و بگرم ابریشم داده
 و رنگ ابریشم کلی بسیار خوب شده است این دو رنگ
 را حالا در ابریشم تعبیه کرده اند که بدون رنگ کردن
 از خود همان گرم همان رنگ بعل می آید این است ای
 کارشان است و مکان دارند که رنگهای دیگر نیز با ابریشم

تعبیه نمایند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید چاپ
 در محله نزدیک دروازه دولاب الطباع شده از بنقرار

فروخته میشود

مجلس المتقین بیت و دوهزار پانصد دینار
 حاشیه شیخ محمد تقی بر عالم بیت و پانصد دینار
 عالم جلید چهارم بجا الانوار سه تومان و دو دینار
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شانامه چهار تومان و نیم
 خسته نظامی نه هزار دینار
 رشتان یک تومان

روزنامه قایم‌التفاتیح یوم شنبه هجدهم ماه شعبان المعظم سنه ۱۲۶۹

شبهه صد بیت و یک

قیمت روزنامه

یک نسخه ده بهریک

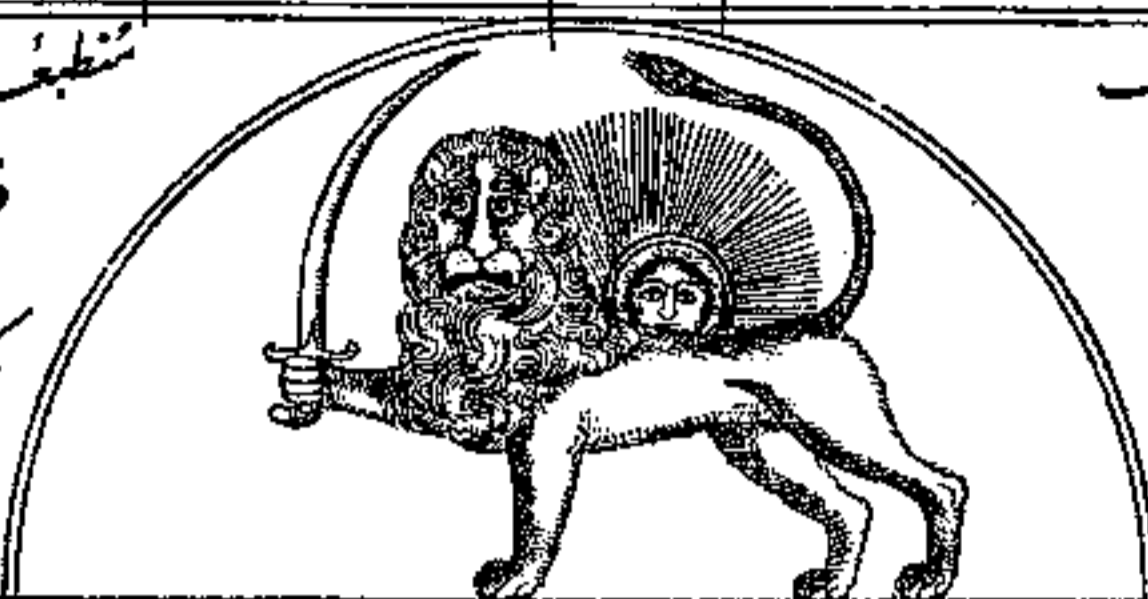
هفتاد و چهار هزار

منتطب دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر لاجرا یک بهر روز

پنجاه سطر یک بهر روز



اخبار و اخلاص مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بجهت ناخوشی و باکوه
 این روزنامه در دارالخلافه طهران و حول و حوش آن حادث
 گردیده از قریه نیاوران شمیران چنانچه در روزنامه مکتوبه
 نوشته شد در روز دو شنبه هجدهم این ماه بیسبب از
 لواتان عزیمت فرموده و در یک ماه با آنجا نزول اجلا
 و بجهت لطافت و خوبی هوای آنجا از قراریکه نوشته اند مزاج
 مبارک بسیار کار و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده بسیار
 خدمت چشم نیز که مقرریم کاتب سیروزی انتساب بسیار
 خوش گذشته است و اعلیحضرت پادشاهی اغلب روزها
 بجهت تفریح و سیاحت اطراف بیسبب مرفور و جامای با
 دستبر و خرم آنجا سوار میشوند

حکومت آنجا سرافراز گردید

مقرب الخاقان ساخان المغانی که مدبر بارها یون آمده بود
 این اوقات حسب الامر قدس مایون اعلیحضرت پادشاهی
 مرض خراسان شده و از راه رحمت ملوکانه یک لوب
 حبه کرمانی طبوس نین مبارک با فقار عالیجاه مشارالیه
 بسم خلعت رحمت و عنایت

مقرب الخاقان سیرا صادق مستوفی این اوقات از ایالت
 دولت قاهره مرضی گرفته بغیرت زیارت مشرف قدس
 روانه خراسان گردید
 عالیجاه مقرب العلیه حاج میرزا صادق مستوفی
 وظایف آذربایجان چون با کمال صداقت و راستی عهد
 خدمت مقرر خود برآمده و در رساندن مستمری مالی از پادشاهی
 اهتمام زیاد کرده حسن خدمت او در نظر مایون مستحسن
 مدوح افتاده مواری یک لوب حبه زرمه بسم خلعت
 سیرافرازی عالیجاه مشارالیه رحمت و عنایت گردید که
 سبب مزید معافیت و امیدواری خود نسبت به سیرافرازی
 اهتمام در انجام خدمت خود نموده نماید

۷۳۷

مرحوم میرزا علی اکبر لشکر نویسی که از قدیمی تکریدان این دولت علی بود
 و چندی قبل ازین فوت گه دید درین اوقات بملاحظه خدات او
 و ظهور شایستگی و قابلیت عالیجا میرزا غلام علی پسر او اولیای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه شارالیه رایجی مرحوم منبر منصب
 لشکر نویسی سرفراز و چهار صد تومان مواجب در حق او حرم فرمود
 و فواید مبارک نیز بدین باب شرف صد یافت

امورات دارمخلاق طهران از حسن مراقبت و استقامت شایسته
 و الاتبار از شیر میرزا و مقرب انخاقان میرزا موسی در کمال نظام
 هر کس بکار و خدمت محوله خود مشغول از جمله مقرب انخاقان میرزا زان
 دیوانخانه مبارکه هر روز در دیوانخانه حاضر آمده بعد از غایت
 رسیدگی می نماید و تسخیر عالیجا محسوفان کلانتر و کدخدایان
 محلات نهایت مراقبت در انضباط شهر و حفظ و حرث اموال مردم
 دارند باینکه بسیاری از اهل دارمخلاق نسبت و امداد از ما خوشی بسیار
 خود را در خانهای خود بی آدم دستخط ریخته و بیرون فرستاده
 کتری سرفت اتفاق می افتد و اگر کسی مصدر سرفت و خلاف
 بشود تنبیه و سزا بگردد از جمله دوسه نفر که در شهر و تخریش
 اسباب در دیده بودند یعنی کلانتر و کدخدایان بدست آمده بر سر
 میرزا موسی آورده و مرتب بعضی نواب هزاره رسید اموال سرف
 استر داد و بصاحبانش تسلیم شده و سارقین حسب احکام
 میدان قاپوچنسیاستی که سزای اعمال آنها بود سینه که عبرت دیگران
 باشند

از آنرا که امنای دولت قاهره پیوسته رفاه و سود کی عموم
 این دولت علیه اطالیه بسیارند خصوصه اهل قشون که سربازان
 و چون اینر حلقه ظاهر است که از دحام خلق در یکجا بیشتر خوب ظهور
 و بامی شود لهذا از او اجی که در دارمخلاق منوقت بود چند فوج

مرخص فایز کردند و افواج دیگر هم که در سرباز خانها با و بر آید
 و در شهر بودند ازین مرضی حاصل کردند که بجای خوشی هم
 که نزدیک بدارمخلاق باشد بودند از جمله یک فوج در کربلا
 و فوج دیگر در کن و سولقان و فوج دیگر در کرج و این حکم بسیار
 فایده دارد هم برای افواج و هم برای اهل شهر و در باب
 مرخصیهای افواج حکم نموده شد است که اگر صاحب مضبان در
 پرستاری آنها قائل نمایند مواخذ باشد از جمله چندی قبل
 یکی از سربازان فوج کرازی ناخوش شده و صاحب مضب فوج
 گفته بود او را در روز فوج در صحرای که ایستاده بودند میرالامرا
 سردار کرازی که مضمونه از این معنی سخنش شده فرستاده بود
 خود جان صاحب مضب حکما بنفرت فتنه سب از راپرود و در منزل
 خود پرستاری نماید و بسبب این حکم عموم صاحب مضبان
 از افواج خود کمال مراقبت را دارند

چنانچه در مضمونه گذشته نوشته شد در روز شنبه ششم
 سیل زیاد از سمت کومستان شمیران بشهر آمده در دامان
 کومستان رعد و برق شده کمرک زیاد باریده بود و از دره
 اوین و تخریش و آن سستها آب زیاد جاری شده بشهر رسید
 و از سمت دیگر هم از طرف پیادوران و رستم آباد سیل آمد
 آنچه از سمت تخریش و اوین آمده بود از دره شمیران و
 از سمت غربی شهر داخل خندق شده بطوریکه نزدیک بود در
 آب در خندق بالا آمده بود و در طرف شهر را دور زده و نزد
 دروازه محمدیه آنجا که فاضل آب خندق بیرون میرود بیرون
 و آبی هم که از سمت پیادوران آمد از طرف دروازه دولا
 شده و باین آب متصل گردید و از سمت دروازه محمدیه بیرون
 رفت در آنجا آب دریاچه شده که سیصد چهار صد قدم

طلوع و عرض داشت اگرچه قناتی که از آنجا جاری بود است
 سبیل بسیار کشید و لکن باز سبیل بالارزده قدری خرابی
 سجانهای جدید البسای بیرون دروازه محمدیه رسانیدند
 دوازده باب خانه و یک حمام و یک تنجیال و چند باب
 دکان و دیوار بسیار خراب شده و نصف پل دروازه
 آب برده و در سمت بالای باغ لاله زار هم قدری
 دیوار باغ خراب کرده و آب داخل باغ لاله زار شده
 و در دروازه دولت و دروازه شمیران و طرف سنگ
 قدری داخل شهر گردیده و لکن نواب سناطاب هزاره
 فوراً بدفع آن کوشید و آقا محمد الیم پسر عالیجا پسر
 و باوق خان نایب فرانشانه شاهی را با آقا عیسی
 خود با فرانس و علی و درو و تخته زیاد فرستادند که جلوا
 بسته بخندق ریختند و نگذاشتند که بعبارات مبارکه
 سلطانی و سایر عبارات شهر خرابی برسد و درین خصوص
 کوشش و اهتمام را نمودند و در روز چهارشنبه نیز محمد
 کوه شمیران تا شهر آمد اما شدت روز قبل بود و خرابی زیاد

رجب المرحوب دار و تبریز گردیده و معلوم معارف و سرکردگان
 و صاحب منصبان و اهل نظام استقبال نموده اند و نواب
 شاهزاده و الا تبار حسنه الدوله حکمران مملکت آذربایجان
 کشیکچی باشی خود را با یوزباشی و غلامان و دوزس اسب
 با استقبال مقرب انخافان مشارالیه فرستاده و در کمال
 احترام او را وارد ساخته اند و مقرب انخافان مشارالیه
 بجز در وقت نواب معزی الیه رفته بعد از آن در احوال
 نظام نشسته است و فرمان منصب نیابت وزیر نظامی و خلعت
 مرططت را که با افتخار عالیجا میرزا محمود خان سپه مقرب انخافان
 مشارالیه عنایت شده بود همان روز در خلعت پوشان آنجا در حضور
 صاحب منصبان نظام عالیجا مشارالیه داده اند و او هم
 برود و دشمن بیانات و افتخار خود نموده و هم چنین نشان و مقامی
 که از جانب اعلیحضرت پادشاهی عالیجا قنبر علی خان حاکم تبریز
 مرحمت شده بود در روز و در وقت مقرب انخافان وزیر نظام پوشان

پیرایه صدر اعتبار خود نموده است

فارس

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد در فارس در ماه
 و تفصیل آنرا که نوشته اند تخمیناً در وقت طول کشید است و اگر
 و عبارات شهر کجای خراب و منهدم شده است بحدیکه نوشته بود
 حدود خانهای مردم و تیر محلات از یکدیگر معلوم نیست و درین
 زلزله آنچه تا بحال موافق اعداد امواتی که از زیر خاک در آورده اند
 که تلف شده اند قریب ده هزار نفرند که خود اهل فارس مشخص کرده اند
 و اگر کسی هم در زیر خاک مانده اند که معلوم نیست کیانند و در
 تلف شده و قبلی از خانها سالم مانده اند و در تبریز کنگان و سایر
 نیز کنگان عرب که بعد یکبار که بوده است خرابی ده گاو و گوسفند بسیار

درین روزها ناخوشی نسبت بخند روز قبل تحقیقی باقیه است خاصه
 در محل سنگج و بعضی مریضها هم معالجه میشود از جمله جدیدان
 که یکی از متعلمین مدرسه دارالفنون است چند نفر از بدو زن
 و اطفال را که معالجه کرده است از قرار نوشته عالیجا ضابطها
 ناظم دارالفنون صحت یافته اند

سایر ولایات

آذربایجان از قرار یک روزنامه این ولایت نوشته بود
 مقرب انخافان میرزا فضل الله وزیر نظام در روز بیست و دوم

کرمان

چون از قرار یک امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار کرمان
 یزد و کرمان بدر بارها یون پادشاهی معروض داشته بود
 در مقدمه فتح و تخریب قلعجات بلوچستان و کبچ و کرمان هر یک
 از اشخاص مفصله که بامترس انجا خان عبداللہ خان میر خجند
 سفر بوده اند و آثار جلالت و رشادت خود را بطور سزا
 بطور رسانیده و مصدر خدات نمایان شده اند و مراتب
 خدمتگذاری و جان فشانی آنها در خاکپای های یون اعظم
 پادشاهی کشف و مشهود افتاده ریاضه در خجند قبول
 استخوان یافته لهذا بلاخط پادشاهی خدمات آنها
 آنها در خور هر یک نشان و خلع و انعام محبت و ارسال
 که امیرالامراء العظام سردار با آنها داده از بدل این محبت
 آنها را امیدوار سازد

عالیجاه امامعلی خان سرینک نشان نقره از مرتبه دوم سرینک
 کلنگلی خان باور نشان باوری مینا
 سلاطین فرج نشان طلا
 نایب اول و دوم نشان مطلق
 سر بازان فرج نشان
 میرزا احمد خان باور نشان باوری مینا
 حاجی سمعیل سلطان که رجم برداشته نشان طلا
 نایب اول و دوم نشان مطلق
 کریم بیک دوم توپخانه نشان مطلق
 اللهوردی بیک وکیل توپخانه نشان نقره
 ابراهیم خان بیک توپچی که در عوارجم برداشته نشان نقره
 سایر توپچیان نشان نقره

۷۴۰

موسی خان قاجار و ولد مرحوم ابراهیم خان جبہ ترمه نوب
 امیر سعید خان جبہ ترمه نوب
 امیر علام حسین خان جبہ ترمه نوب
 عالیجاه محمد خان کنگر نو فرج آقا پیرش و نصر اللہ خان یوزباشی
 و سایر غلامان کنگر نو و مهاجر انعام صدقمان
 چون در مقدمه فتح قلعجات مزبورہ قاسم آقا یا و فرج
 قدیم کرمان ابو اجمعی عالیجاه امامعلی خان سرینک معقول
 و مراتب لیاقت و شایستگی عالیجاه علی اکبر خان در خدمت
 ادبیای دولت قاهره مشهود و کشف افتاده لهذا اورا
 یوری فرج مزبور سرا قرار فرمودند

یزد

از قرار یک در ضمن روزنامه یزد نوشته بودند در وقت
 رجب ساعت یزوب مانده بادی از سمت شمال
 وزیده در ابتدا زرد رنگ بوده بعد سرخ گشته بعد سیاه
 گردیده است و چنان سیاه شده است که دو نفر که با
 نسته بوده اند یکدیگر را نمی دیده اند و در بازارها چراغ
 روشن کرده بوده اند و ضرر کلی از این باد مردم رسیده
 در رختهای میوه دار زده و ازین باد حاصل تریاک ضایع
 و درشت موضع از شدت باد سقف بازار خراب شده
 و چهار مدرسه خان آنجا از ریش بیرون آمده است و
 در وسط وزیدن باد کمرک بسیار آمده و بعد از کمرک
 باران آمده و بعد از آن باد ساکت شده است و از
 قرار یک در روزنامه آنجا نوشته بودند از است
 این باد تا انتها رآن که قطع گردیده است بعد دو
 ساعت طول کشیده است

اجبار دول خارج
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که وزیر قشون بحری خواست
 از دولت کرده است که اذن حاصل نموده شش فروند کشتی
 کشتی جنگی با توپ و قوخانه و اسباب حرب سایر با کجا
 روبروی شهر طولان بگذارد و شش فروند کشتی دیگر با کجا
 با آذوقه مینار و روبروی شهر برست بگذارد و شهر طولان در
 سمت جنوب مملکت فرانسه واقع است در کنار آقیانوس
 و شهر برست در سمت شمال مغربی مملکت فرانسه واقع است
 در کنار بحر انگلیس و روبروی مملکت انگلیس و درین دو
 کشتی سازخانه و قورخانه و سایر کارخانهای آلات حرب
 مال دولتی زیاد دارند و کذا شش کشتی و قشون بحری
 در روبروی شهرهای مزبور بجهت محافظت آن شهرهاست

در اوقات نرستان که شخص خانی از اهل محار امپراطور است
 زخم زده بود سر راه امپراطور یک صاحب منصب که نام او کاش
 او و این است بود و آن شخص را گرفته بر زمین زد و شخصی دیگر
 رعایای شهر نیز که حاضر بودند آن صاحب منصب آن
 مقصر مزبور را گرفتند صاحب منصب مزبور درین اوقات
 بسبب آن خدمت مورد التفات کماله امپراطوری و از جانب
 اکثر پادشاهان و حکامان بجهت ایشان آمده است و با
 شخص رعیت نیز امپراطور سپاه التفات نموده و نشان نرستان
 و عموم اهل استریت نسبت باین دو نفر عزت و احترام زیاد کرده
 است

احوال متفرقه

اگر مملکت مکی گوشت به بحر محیط سپاه مرفوع و موم
 خیلی لطیف و سالم است و اینم حله کمال و ضوح را بهرساند
 بجهت اینکه در پای تخت آن ولایت که شصت هزار جمعیت دارد
 یک دکان دو سازی بیشتر نیست و کم اتفاق می افتد که
 در آن شهر بعضی مریض باشند

در اواخر نرستان در سمت شمال مملکت فرانسه و در ولایت
 انگلیس طوفان و باد شدید زیاد شده بود و چونکه در وقتیکه
 برف و بوران می شود کشتیهای نمانی توانند از دوز بپسینند
 باین سبب بسیاری از کشتیها درین باد و طوفان با
 بر یک نشسته یا بسنگ خورده و شکسته و غرق
 شده اند از جمله یک کشتی سجار که از ولایت انگلیس روان
 مملکت ایرلند بود و بقدر غنا و فقر در او بودند شب بسنگ
 خورده و شکسته و غرق شدند

در اواخر نرستان که کشته در شهر پاریس ناخوشی بسیار
 خصوصاً ناخوشی مطلقه و محرقه قستی از تب و لرز که سابقاً
 غریبه بودند و لیکن درین چند سال در مملکتان بهر سبب
 هلاک کرده است و این قسم تب و لرز را کریب می نامند مانند
 و لرز مریض سرد و گرم میشود اما در چشم و دماغش آب خنثی می
 و در بعضی مریضها آخر تب محرقه میرسد در پاره قبرستان
 پاریس روزی بوده که ازین مریض پانزده نفر بجهت فقر دفن
 و در قبرستان بزرگ پیرکاشیر و مات مرت پوستان جنازه
 می آوردند و یونان آنچه بتواند سی و ستام می کنند که مردم
 روزی چند نفر میزند و لکن مریضها معلوم است که از ایام و با
 چند پیش ازین که در پاریس بسیار مریض بود اما بحال
 ناخوشی ندیده اند

۷۴۱

در چاه بزرگ مستمان گذشته در سنت بطرز بروج پای سخت
روستیه ناخوشی و باشدت داشت و روزی پانزده نفر
یابست تفر میزدند

تاجرای بزرگ جوید که در فرنگستان مشهورند درین روز
بد دولت پول قرض داده اند یکی پادشاه سارتنیه
پناه ملیان فرانک داده اند که تخمینا ده کرویر پول ایران
میشود و یکی بزرگ ملک تکان که دو کمینا منگک طلبان
و پانصد فرانک داده اند که تخمینا سه کرویر پول ایران
میشود

در فرنگستان گذشته در ولایت انگلیس هوا بسیار خوش گذشته
و بیخ بنیان کم شده بوده است بطوریکه قیمت بیخ که اکثر اوقات
در آن ولایت از فرار خرواری پنجه از دنیا بود اما سال تجویج بیخ
خرواری پنجه تومان فروخته شده است و بسبب خوبی هوا
در چند کوچه مستمان آزاد ماهی گرفته اند و یکی از آنها را در
هفت من وزن داشته و اکثر اوقات آزاد ماهی در میان
رودخانه های ولایت انگلیس تا یک ماه از عید نوروز گذشته
پیدائی شده و دو سال بود که بشهر سوئیس هم پطمان که سمت جنوب
مملکت انگلیس مشرف نیامده بود اما سال کی برف در آنجا
بارین است

کشتیا نه که بملکت استرالیایا میرود بسیارشان از کشتیا
فرار کرده معین میروند از برای در آوردن طلا اجرت کشتیا
اکثر اوقات در ولایت انگلیس مای تومان است درین روز
صاحب یک کشتی که از ولایت انگلیس با استرالیایا فرست
مندی یازده تومان مواجب کشتی بان داده است غیر از خوراکش و
ذک مسکویند که بعد صد فرد کشتی تجاری در مملکت استرالیایا

معطل مانده اند که کشتیا نه های آنها همه کرسخته و معین طلا
رفته اند

در فرنگستان سیاسی و کوشش کرده اند که عمق سحر محیط را
معین کنند اما چون که هر چیز سکین که لطفا بسته شده دریا
فرو بگذارند بعد از آنکه بجای خیلی عمیق برسد دیگر پائین نمیرود
و از اینجه تشخیص نه در اما مشکل شده است درین روز
صاحب منصب انگلیس که در کشتی دولتی از سحر محیط آلمانی
عجور میکرد و سبابی ساخته است که عمق دریا را معین میکند
و در بعضی جایها آب دو فرسخ عمق داشته است

چند سال پیش ازین کشتی از انگلیس است سحر پنجه قطب شیا
فرستاده اند و از آنها دیگر خبری نشده است درین روز
دیگر بان گسست فرستاده اند که بگذران کشتیهای سابق
که رفته اند و موقوفه الاثرند اثری پیدا نمائند تا که سیال قضا
این کشتی را در آنجا دیده اند و او دو سه سال را در میان کشتی
گذرانسته اند اینقدر آذوقه را اجتنابا برداشته اند و لکن
ندانند که سفرشان یکسان شتر طول باشد مستمان آنجا یعنی
فصل بیخ که در باغ می بندد و مهر میشود نه ماه است و این
مستان را در آنجا خواهند دید در فصل بهار که هنوز برف
تمام شده باشد بنیاد دارند که کشتیا نه در کال که بیخ
نشده زوی برف و بیخ بروند تا بجائی که چند سال پیش ازین
آذوقه در آنجا پنجه کشتیا نه احتیاطا انبار کرده اند و اگر
با آنجا بروند احتمال میرود که از آن کشتیهای سابق خبری معلوم
نمائند که با انبارهای مرزور آمده و آذوقه برداشته و کاغذ
در آنجا گذاشته باشند

۷۴۲

در یکی از روزهای فرانس نوشته اند که کلبه کلیتیا
 قصبه نزدیک ایشرا که هفتاد و پنج ذرع ارتفاع
 دارد در نزدیکی ایشراستان برق زده بود و چونکه این کلبه
 اکثرش چوب بود آتش گرفته و باد زیاد بود آتش شعله
 گرفته شدت نمود و بجهت زیادتی ارتفاع کلبه سوخت
 آتش را خاموش نمایند و کلبه بعد از چند ساعت سوختن
 و بعضی از خانه های اطراف هم آتش گرفت و مردم زخمی شدند
 اما کسی تلف نکردید

عباس شاه حکمران مملکت مصر صاحب منصبان بسبب
 رود نیل فرستاده است چنینی نسبت بالای رودخانه
 رفته اند و فهمیده اند که یک شجره از آن رودخانه نسبت
 افزونیا می رود که نسبت مصرنی آید چونکه کل زراعت
 از آب رود نیل است و در آن ولایت بارندگی نیست هر
 آب رود نیل زیاد بشود و ارتفاع بگیرد حاصل و لاینت
 میشود در ایام قدیم حاصل مصر یک لصد زیاد تر از حاصل
 ایام بوده است بجهت اینکه در قدیم هر سال که آب رودخانه
 بجهت زراعت زمینهای انداخته اند گل و خاک و غیره تدریج
 زمینها رفته و مرتفع کرده است بطوریکه بسیار جاهائی که سابقا
 زراعت می شد حالا آب با آنها نمی نشیند ازین جهت عباس
 شاه هندسین با آنها فرستاده است که شاید جلوان
 شجره که از رود نیل نسبت مغرب افزونیا می رود بسته و برود
 نیل که بملکت مصری آید علاوه نمایند که آب رود نیل زیاد
 ارتفاع گیرد و زمینهای که حالا در اطراف مصری نشیند جاری
 گردد که زراعت نمایند چند سال پیش این پاشای مصر بنا
 که در رود نیل بندی بسازد که آب رود نیل بالا آید و زمینهای

استجارا بگیرد حال ملاحظه کرده است که ساعتی بندر نور ضرر
 زیاد بعضی از خلق میراث سبب اینکه اگر رود مملکت مصر در
 که در رود نیل عبور میکنند و اگر بند ساخته شود باید نهری
 پهلوی بند بسازند با دریچه ها که گشتی از آنجا عبور کنند و نهر
 مشکلیت و مایعطلی کشتیها میشود در عهد فرعون مصر نهری کنده
 بودند ما بین رود نیل و بحیر الاحمر و لیکن این نهر حالا از یک
 خاک پر شده است و درین روزها خیال داشتند که نهری
 دیگر کینند یا از بحیر الاحمر تا بحیر سفید که هر دو داخل بحر محیط
 یا از بحیر الاحمر تا رود نیل هندسین فرانس که در ایام پاپا
 همراه قشون ناپلیان معبر آمد بود در ایام تسلط
 در مصر ارتفاع بحر سفید را از بحیر الاحمر سی و دو سه که تخمینا
 نه ذرع ایران می شود بلند تر داشته بودند و لیکن هندسین
 آن خلکس که در این روزها با آنها رفته اند ارتفاع زمین ما بین
 ملاحظه کرده اند و نوشته اند که چندان تفاوتی با هم ندارند
 بعضی از هندسین فرانس چنین میدانند که هندسین پاپا
 سهو کرده باشند و هندسین فرانس باز با آنها گفته
 که بیسند درین باب که ام یک از طرفین سهو کرده اند

از ناگان چین نوشته اند که یاغیان آن ولایت باز اعتنا
 خود را موقوف کرده بودند و قشون خاقان درست بیاعیان
 غالب نیامده بودند و چند شهر هم در دست یاغیان
 نزدیک بخیره ناگان و دندان دریا بسیارند و در روی
 می آیند و کشتیهای رعایای آن دولت را می کشند و ناگان
 میزند و اگر چیزی پیدا کردند زندهای جوان و اطفال در
 باشد با سبری میزد و میزدند در روزنامه دیگر هم در

۷۴۳

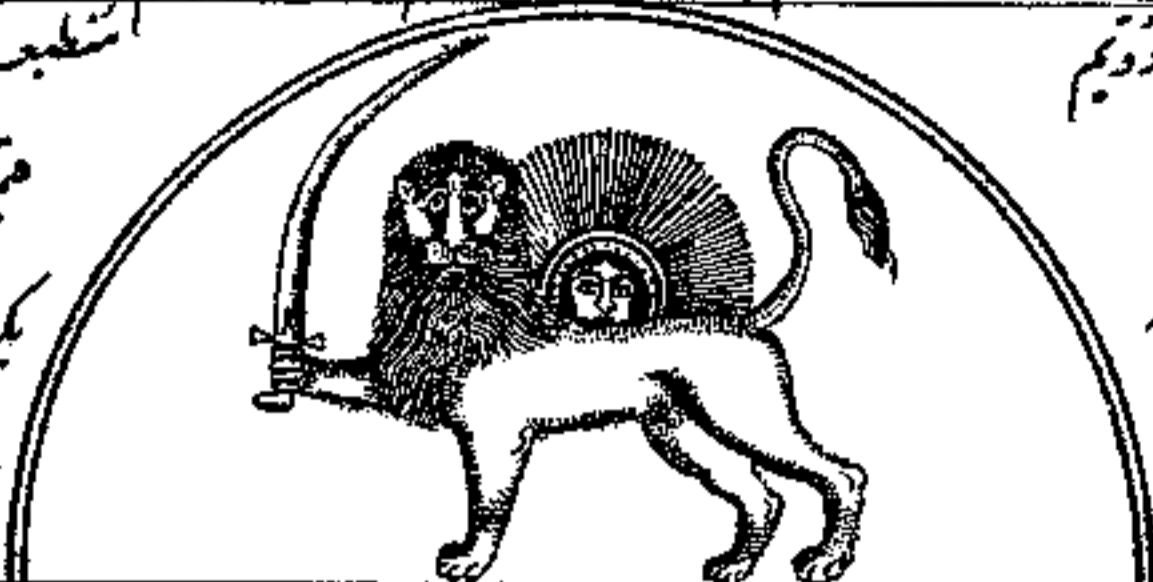
خصوصاً باغبان چمن نوشته اند که درین روزها یک شهری آذربایجان بود چون دولت شهبانول ما شایر دول فرنگستان بود
 بزرگ آنولایت را محاصره کرده بودند و نقبها بزرگ برچ و بدنه شهر
 زده و در میان شان با روط گذاشته بودند که برج و باستانیها
 شهر را خراب نموده بطلب و یورش گیرند و قشون پادشاه چمن
 که در میان شهر بودند نقبها بیرون زده و میان نقبهای باغبان
 آمده باطل کردند و با روطهای آنها را بردند و درین چمن
 اهل شهر بیرون آمده حمله باغبان آورده و مسجد چهار صحنه
 از باغبان را کشته و باقی را از دور شهر نریمت داده دور
 کردند بعد از آن باز برای باغبان امداد سبده به حاجت
 کردند و توپ بشهر بسته برجهای و باستانیها را خراب کردند
 و حمله بشهر آوردند و لکن نتوانستند غلبه نمایند و شهر را
 بگیرند
 حساب کرده اند که در مدت دو سال شصت و سه که در حساب
 پول ایران طلای مسکوک از ولایت انجلسین بخرید و ستاده
 اگر چه اکثر این پول با ستر ایاریفته است و لکن بسیاری
 بسیار مالک روی زمین فرستاده شده است و در بعضی
 مالک بسیار رواج بود و از طلای شمس خالص قدری قیمت طلا
 مسکوک بیشتر بود زیرا که چون در ضرائح انجلسین که زده شده
 اعتبار دارد و در صر پول طلای انجلسین از همه پولها زیادتر است
 و در بعضی از مالک مسکی دنیای جنوبی هم از همه پولها رواج
 پول طلای ولایت انجلسین است
 در یکی از روزهای نیکی و نیاد در باب جزیره کوه با این منول نوشته
 که چون مشهور بود که حاکم و سایر دیوانیان جزیره مزبور از
 کسانی که داد و ستد غلام و کثیر سیاه میکنند حمایت و محافظت
 مینمایند یکی از کشتیهای انجلسین بجهت بازخواست از حاکم آنجا فرستاده

موقوف باشد اما چونکه منفعت زیاد دارد باز بخلاف
 عهد نامه این تجارت را می کنند و کشتیها میجو اند و مغربین
 بی غلام و کثیر بروند در آن جزیره ساخته میشوند و اینر حله چون
 بسر حد و ضوح پوست است صاحب منصب کشتی انجلسین که بجهت
 بازخواست از حاکم آنجا که چرا مرتکب کاری که خلاف عهد
 دولت است شده با بخار فرقه و از حاکم بازخواست کرده بود
 اول حاکم انکار نموده و گفته بود که من خبر از این کشتیها ندارم
 و اگر میدانستم که چنین کشتیها در آنجا بود در همین جا ضبط
 میکردم و میشکدا شتم نسبت از نقبها بروند صاحب منصب
 کشتی انجلسین گفته بود که چگونه میشود که کشتی بزرگ در آنجا
 بماند که توپ و تفنگ و سایر اسباب حرب داشته باشد
 نفر کشتیان در او بگذارند و ملک او رعایا بترسند و حاکم
 خبر ندانسته باشد حاکم در جواب معطل مانده و معلوم شد
 که خودشان ریاضت فرستادن کشتی خبر داشته است اما مستعمل
 شده بود که بعد از این قسم اعمال در جزیره کوه بموقوف با یکی از
 شجاعت انجلسین که از حاکم جزیره کوه بظلم دید بود درین خصوص نیز
 گفتگو کرد و در رفع ظلم از ما جزیره بزرگ شده بود
اعلانات
 دفتر خانه این روزها ما کافی السابق در میدان ارک در
 دهم روز ایام هفته را کسود است مکرر در جمعه و دو شنبه
 هر کس کاری متعلق بر روزنامه داشته باشد بدفتر خانه
 مزبور بنزد مباشرین روزنامه بیاید بجهت اعلان نوشته
 شد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم چهارم شعبان المعظم مطابق سال اول سنه ۱۳۶۹

روز صد بیت و دویم

قیمت روزنامه
یک ششده هر کبکله
۵ تان و چهار هزار



مطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یکسطله اچار طر کبکله
ششده هر کبکله
بیسر با هر طر پنز

احبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی درین اوقات چنانچه در حقیقت نوشته شد در سیلاب امانه لواسان تشریف دارند و در روز یکشنبه بیت و یکم اینجاه موکب هایون برای بیلابی کوهی که از همه کوههای سیلاب امانه ارتفاعش بیشتر و در حول و حوش او برف بود تشریف فرما گردیدند و در آنجا میل فرموده تا عصر را در آنجا تشریف داشتند و بوجود مبارک بسیار خوش گذشته بود و وقت عصر از آنجا مراجعت فرموده بسراوقات مبارکات تشریف آوردند

چون از قرار که در ضمن تحریرات آذربایجان نوشته شد بود در خلخال و خنک این روزها ناخوشی و بابرور کرده است لهذا اعلیحضرت پادشاهی که در شهر رمضان المبارک عزیمت چمن سلطانیه را در نظر مبارک داشتند ملاحظه فرمودند و بعد از تشریف بردن موکب هایون چمن سلطانیه ناخوشی در آنجا ملاحظه کرده در اردوی هایون نیز ناخوشی واقع شده مگر این رکاب در معرض تلف میقتد عزیمت چمن سلطانیه را تا شهر ذیقعد الحرام موقوف داشتند

بجای صاحب منصبان عا که منصوره حکم شد که در شهر سوال تدارک خود را دیده در شهر ذیقعد الحرام در چمن سلطانیه حاضر شوند و موکب هایون نیز در شهر مزبور عزیمت چمن سلطانیه خواهند فرمود

چون مقرب الحضره العلیه آقا اسمعیل نخویدار عا که منصوره از بدو عمر تا بحال همه را مشغول انجام خدمات معطله بود و کمال امانت و کفایت ظاهر داشته و مراتب لیاقت و استعداد او در استان هایون مقبول مطبوع افتاده بود لهذا امر حمت جدیدی در حق او لازم و دیده بصرفت طبع مبارک اعتبارشان و ارتقاع رتبت و مقام او را ملاحظه فرموده منصب جلیل و شغل نبیل خزانه داری کل عا که تا هره را که از اجده مناصب دولتی است بعد کفایت او محول و با عطا خطاب مستطاب خانی و لقب مقرب الحضره فرین کمال افتخار و بیانات فرمودند

بعد از آنکه موکب هایون اعلیحضرت پادشاهی بجهت حدود ناخوشی و بادریا و ران تشریف فرمای سیلاب امانه شده مقرب الحضره آقاان محمد علیخان سربت را که بحسن صداقت و طر

کفایت موصوف بود و آنجا کما شتند که مشغول انتظام امور شمیزارات باشد و مراقب بوده که از آنکه نسبت به بعضی که از شهر آمده و در دوات شمیزارات قرار گرفته اند بی اعتدال و بیجانی صادر شود و عالیجاه مشارالیه نیز درین مدت در انتظام امر آنجا کمال اهتمام بظهور رسانیده است و امر دوات شمیزارات را از هر جهت و هر حیث منظم و مضبوط داشته است و در چادر مریض خانه در کنار کاشانک داده زده اند و یک طبیب معین کرده است که هر یک از سربازان و ساکنین دوات شمیزارات ناخوش میشوند آورده در آنجا بیدار و مشغول میشود

ناخوشی و با که در و آنخلا فطهران است در یک وقتی بزرگی صدوسی نفر بگه بپوشید که ازین ناخوشی تلف می شدند و در این ایام آخر بسیار تخفیف یافته بطوریکه روزی سی چهل نفر بیشتر نمی میرند اما چونکه حال چهل و شش روز است که از قرا نشخیص الجاک دیده و فهمیده اند این ناخوشی در شهر طهران باید موافق قاعده ایام سابق درین روزها باشد اما این ناخوشی تمام بشود زیرا که درین ولایات هر وقت که برود که بیشتر از پنجاه روز یا دو ماه طول نکشیده است و درین اوقات جمیع سکنه و در آنخلا فطهران تبرغیب و شکر یک و صوابید جناب اعلی العالی القظام امام جمعه و جماعت دار آنخلا فطهران و سایر علمای اعلام و فقه المذاهب دست به توبه از معاصی و تعزیه داری جناب سید الشهدا زده و بکرات بهیئت اجتماع از صغیر و کبیر مصلحت بیرون شهر رفته بر اسم طاعات و عبادات و دعای رفع این بلبه از عموم خلق سیما از وجود مبارک اعلی حضرت پادشاه اقدام نموده اند از جمله در روز دوشنبه که ششمین کتبی

از مکل محلات دار آنخلا فطهران برسم تعزیه جناب سید الشهدا دسته دسته نوحه کنان و سینه زنان و دعا گوینان بمقتلا شتافته لوازم تضرع و عبادت و مسئلت از فضل جناب احدیت در رفع این بلیت معمول داشتند و قاطبه خلق درین اوقات به دعای دولت علیه و شکرانه زلفاه و اشتغال دارند زیرا که سرقت و بی اعتدالی که لازمه آنست ایام فطرت و انقلاب است بسیار کم اتفاق می افتد و این نظام و این تمام نواب مستطاب شاهزاده و اولاد استوارند حکمران دار آنخلا فطهران و توابع حسن مراقبت متصرف آنجا میسر زاموسی دیز در آنخلا فطهران و سایر کارکنان در جوانی کمال امنیت در فاه ازین رهگذر برای خلق حاصل است که سرقت و خلاف حساب بسیار کم اتفاق می افتد و اگر سبذرت حلا از کسی صادر شده باشد فوراً بمقام تنبیه و تادیب آن برمی آیند

هوای دار آنخلا فطهران اسال بطور غریب گذشته است از عید نوروز تا روز یکشنبه پانزدهم حبیب الحسب هوا بسیار خوش و خرم بود و از پانزدهم حبیب تا اوایل شعبان اکثر روزها بارندگی شده و رعد و برق و طوفان زیاد شد و از آن تاریخ تا بحال که اواخر ماه شعبان است هر سه چهار روز بارندگی بود تا چند روز پیش ازین هوا قدری گرم گردید حال باز بارندگی شده و نسبت باقتضای فصل هوا بسیار خنک است در اکثر سالها اهل دار آنخلا فطهران درین فصل شهادت درین خانه و بالای باها می خوابیدند اما اسال بجهت شدت بارندگی فوژ کتری از مردم بیرون میخوانند و اینطور هوا

در در استخلافه بخلاف نامهای بوسایر غیر است

سارولایات

از فرمایجان از فراریکه در روزنامه او را با بجا نوشته بودند امسال بهار خوبی در آنجا شده است بخند نوشته بودند که چند سال بوده است که بهار آنجا با بی نظیر خوش گذشت و این قسم بارندگی شده بود

دیکه خدا یان محلات قدغن کرده است که شبها در محراب و سرگذر با کشیک بگذارند که مشغول حفظ و حراست باشند و بگذارند زودی و سرقت اتفاق بیفتد و از دو نفر از سربازان آنجا خلافت قاعده بنظر رسیده بود هر دو را توبه نظامی کرده و قدغن نموده بودند که بعد ازین احدی از احادان آنجا اصحاب صدرای سگونه بی حسابی نشوند و با سجاد خلافت بگذارند

اصفهان

دیگر نوشته بودند که آقا محمد نام مکاری هدانی خدمت مستطاب شاهزاده و الا تبار حشمت الدوله حکمران مملکت آذربایجان عرض کرده بود که یکبار جناح و یک سبب مراد و مات چار دلو ز دیده اند لوات مغزی البیه نیز حکمی عالیجاه پرور خان چار دوتی نوشته بودند که مال او را گرفته عاید سازد و اگر تا بموعده که قرار میدهد مال مکاریر پیدا کرده اجال نماید بر حسب فرار و ادو او پیا دولت قاهره پانصد تومان جریمه بدد عالیجاه پشاور التی محض اطاعت حکم قیامت یک بار خنار با یک روس است بعد از قسم مکاری داده و از او قبض گرفته فرستاده بود

از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعد از آنکه خلعت عمیدی عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان رسیده بود در روز چهارم به ششم شعبان عالیجاه از روز و از تو چخانه با استقبال خلعت آفتاب طلعت رفته در باغ تو چخانه با احترام و اعزاز تمام خلعت عمیدی را برایشان و پیش اعتبار خود ساخته و بشهر مراجعت کرده و بجهت احترام و توقیر خلعت بیاوین داده چند توپ شلیک کردند

قسم

از فراریکه در روزنامه همدان نوشته شده بود نواب امیرزاده جلال الدین میرزا که از جانب نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مویته الدوله طها سب میرزا حکمران بخت بنیابت حکومت آنجا رفته است در انتظام امور ولایت بحال مراقبت و استقام را دارد و بعد از ورود با بجا حکم نموده جا کشیده اند که هر کس شراب خورد و مصدر شرارتی بشود مورد مواخذه و توبیه کلی خواهد شد و از تعصیر او گذشت نخواهد شد

از فراریکه در روزنامه قسم نوشته شده بود جمعی ادعا رویت کرده و مذکور میخوده اند که در قریه و روان فرامه قربانان مراده پیدا شده یعنی با ما مراده سمعیل که از فرزندان جناب امام موسی کاظم علیه السلام است و درین اوقات قریب یکصد نفر اعمی و مشلول مادرزاد شفا داده است و خلق بسیار از صفحات عراق زیارت آنحضرت آمده است

۷۴۷

فارس

در هفتاد و شش مکرکی که در سمت بندر کنکان آموخ بود
 نوشته شد از قراریکه در روزنامه فارس تفصیل از آن
 در آخر سامان دستی که تا بندر کنکان فرستاده بود
 الی سه فرسخ از بندر کنکان مکرکی باریده است که جمیع خانه
 و عماراتی که درین پیش فرسخ واقع بوده خراب کرده و
 آنجا خرابی کلی رسانید و آنچه مال و دواب بوده از بس
 کما و کوفت و شتر و اسب و غیره که در صحرا بوده اند همه را
 هلاک نموده و از قراریکه نوشته بودند دانه کوچک این مکرک
 سبب وزن و سیر بوده است که یکدانه از آنها بر سر
 خورده فی الفور هلاک گردیده است

دیگر در روزنامه فارس نوشته بودند که از پنج شرف
 خبر رسیده بود که پسر عالیجناب شیخ مشکور ساکن نجف
 بعزم زیارت بکر طای مقلای میرقدانت در عرض راه با یک
 سید در میان طراده نشسته است در آنجا صحبت سخن از
 ضاله بابت بیان آورده اند پسر شیخ مزبور باب رافت کرده
 سید متعجب شده است که چرا باب رافت کردی و یک سید
 با وزوه ولی مشارالیه با احترام سیادت او متعرض نشده
 و با هم صلح کرده بوده اند تا اینکه هنگام مراجعت از کربلا
 جان سید آن مجتهد اطح رفاقت با پسر شیخ انداخته و قدر
 از مسافت که طی کرده اند آن سید چند دانه خرما بیرون آورده
 قدری از آنرا خودش خورده و تمه را به پسر شیخ داده است
 و قدری که گشته است چند دانه خرمای دیگر در آورده و به پسر شیخ
 داده است او هم خورده و گفته است که طعم این خرما با خرمای
 اول خیلی تفاوت دارد سید گفته است بخوبی خرمایست

پسر شیخ چند دانه دیگر از آن خرما خورده پس از آن یکدیگر را
 وداع کرده و رفته اند و پسر شیخ تا زمان ورود بشهر حویش
 منتقلب گردیده و فوت شده است از قراریکه معلوم کرده بود
 آن سید بابی بوده و پسر شیخ را مسموم کرده است

دیگر در روزنامه فارس نوشته اند که این اوقات که
 نواب استطابش برادره و الا تبار نصره الدوله فیروز میرزا
 حکمران مملکت فارس از بوشهر مراجعت کرده به دستش آموخ
 و در آنجا از زده زده بوده اند آنش سخن علف محل توقف آورد
 نواب مغزی ایله افتاده چون صحرای آنجا علف بسیار
 قریب چهار فرسخ صحرای آن حد و در اسوزانده و چادر
 بسیار هم که در آنجا زده بوده اند سوخته است
 لیکن از تفصیلات خداوندی آیهی بهر آن نواب مغزی را
 نزدیک است و قورغان هم که همراه داشته اند بجز ظهور
 شعله آتش نواب مغزی ایله حکم کرده اند که برده در کنار رودخانه
 که در آنجا بوده است گذاشته اند و از آن آتش
 محفوظ مانده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه ایولایت نوشته اند مترب آنجا
 عبدالله خان میرنجه که برای نظم صفحات باو حیثیتان
 و کتب و کمران باقشون بان حد و در رفته بود امر آن صفحات
 از هر جهت و هر حیثیت منظم و منبسط داشته
 بیت و شش ماه حجب المرحب کرمان مراجعت کرده است
 و اکنون امورات آن صفحات در نهایت انتظام است و
 طرق و شوارع آنجا کمال آسایش را دارد

۷۴۸

سیر اجناس کولات و غیره دارالخلافه	فندق چهارمین پنجاهاروده شاهی	۱۰۰
برنج یکمن سیزده شاهی	پسته چهارمین سه هزار و ده شاهی	۱۰۰
روغن یکمن دوربال	سجود پرشته چهارمین یک هزار و شصت	۱۰۰
گوشت یکمن شش عباسی	کنمش یکخوار پنج تومان و دو پورل	۱۰۰
نان یکمن هفت پول	کنمش متفرقه یکخوار چهار تومان	۱۰۰
همه طاق یکخوار نه هزار	شیره سفید چهارمین سه هزار	۱۰۰
همه متفرقه یکخوار شش هزار و ده شاهی	شیره شهد چهارمین هشت عباسی	۱۰۰
کندم ساوجبلا یکخوار دو تومان	مل یکمن هجده هزار	۱۰۰
کندم متفرقه یکخوار هجده هزار	میجک یکمن پنجاهار	۱۰۰
جو یکخوار یک تومان و شاهی	دراچینی یکمن هشت هزار و ده شاهی	۱۰۰
اروجو یکخوار شانزده هزار	فلفل یکمن سه هزار	۱۰۰
اروکندم یکخوار دو تومان و چهار پورل	حنا یکمن دو هزار	۱۰۰
کاه یکخوار چهار هزار و پانصد لسه	زیره کرمانی یکمن دو هزار	۱۰۰
ارزن یکخوار دوازده هزار	قندارسی یکمن شش هزار	۱۰۰
سنگینک یکخوار یک تومان	قندزیدی یکمن چهار هزار و پانصد لسه	۱۰۰
ماست یکمن پنج شاهی	نبات یکمن سه هزار و سی شاهی	۱۰۰
پنیر شور یکمن پانزده شاهی	شکر سفید یکمن سه هزار و یک شاهی	۱۰۰
کشک یکمن یازده شاهی	شکر سفید یکمن سه هزار و ده شاهی	۱۰۰
سرکه یکمن دو عباسی	پیکه اخته چهارمین شش هزار و سی شاهی	۱۰۰
البغوره یکمن دو عباسی	شع یکمن دو هزار	۱۰۰
ماش چهارمین بیست و شش شاهی	صابون یکمن هفت عباسی	۱۰۰
لوبیا چهارمین هفت عباسی	روغن خراغ یکمن سی شاهی	۱۰۰
عدس چهارمین بیست و یک شاهی	حلویات اعلی یکمن شش هزار	۱۰۰
سجود قزوینی چهارمین دو هزار و یک عباسی	سکنجین نباتی یکمن سه هزار و ده شاهی	۱۰۰
سجود رسی چهارمین شش عباسی	آبناکوی اعلی یکمن چهار هزار	۱۰۰

۷۴۹

عسل بکمن دو هزار ۱۰۰۰
 آب نارنج بکمن سی شای ۱۰۰۰
 سنجولپه تبریزی چهارمین دو هزار و دو عبا ۱۰۰۰
 سنجولپه رسی چهارمین دو هزار ۱۰۰۰
 زرشک تبریزی بکمن سه هزار ۱۰۰۰
 حنا یک من هفتصد دینار ۱۰۰۰
 انجیر زردی یک من هزار دینار ۱۰۰۰
 آلو بخارا یک من چهار عبا سی ۱۰۰۰
 کرفه تازه بکمن سه هزار ۱۰۰۰
 کرکندین علفی یک من چهار هزار ۱۰۰۰
 سبزی آلات یک من چهار پول ۱۰۰۰
 پیاز بکمن صد دینار ۱۰۰۰
 کاهو یک من دو پول ۱۰۰۰
 تخم مرغ دوازده بیضه بک عبا ۱۰۰۰
 مرغ قطعه پانصد دینار ۱۰۰۰
احبار دول خارجه
 و نه کاغذ آخر که از پاریس پای تخت ابوالایوب
 بتاریخ چهارشنبه نوزدهم ماه جمادی الثانیه بود و نوشته بود
 که جمعی از اعیان تجار لندن پاریس آمد و عرض از جانب جمعی
 تجار و صاحبان کارخانهای ولایت انگلیس بخدمت امپراطور
 آورده بودند و ضمنش اینکه چون مجموع امالی انگلیس گردیده بود
 که اهل فرانسه چنان تصور نموده اند که اهل انگلیس نسبت به آنها در تمام
 عداوت و عنایت اند لذا اعیان تجار انگلیس لازم دانستند که بخدمت
 امپراطور فرانسه آمده اینمغی را از جانب خود و سایر اهل انگلیس
 و از آنکه اهل انگلیس هیچوجه عداوت و دشمنی با اهل فرانسه نداشته

۷۵۰

زیرا که میداند که خیر و صلاح هر دو دولت در دوستی و اتحاد
 طرفین است و جنگ و عداوت باعث ضرر و مکتب است حال آنکه
 چند سال است که ما بین دوستان دوستی و یگانگی است و خیر این
 اقیانوس صلح با اهل هر دو مملکت رسیده است و ما جماعت تجار
 میدانیم که ولایات دیگر که جنگ و عنایت داشته چقدر ضرر
 کشیده اند خواه در اتمام خلق آنها در جنگها و خواه در مخارج
 زیاد که در جنگها مصرف کرده اند راست است که درین اوقات
 بعضی از روزنامه نویس انگلیس بخلاف این مطلب نوشته اند لکن در ولایت
 انگلیس قانون آزادی است و آنچه روزنامه نویسان آنجا از زبان خود
 نوشته اند دخلی بری و عقاید عموم حسیق ندارد اعلیحضرت امپراطور
 فرانس در جواب کمال التفات به تجار مغرب فرموده اند و گفته اند
 که از آمدن اعیان تجار انگلیس و اهل امانی الضمیر عموم امالی آن دولت که
 منی بر استحکام بنیان بودت و اتحاد طرفین است زیاد الو
 خورسند و سرور گردیدم و چونکه خیر و صلاح فرانسه را از آن
 طالبیم و میدانم که صرفه و خیر فرانسه در صلح است از اجتهاد
 فخر نمیکند که این خاطر بسی از اهل دولت انگلیس من حاصل کرده
 پار سال بکان بگردم که اهل انگلیس نسبت با اهل فرانسه خیال
 منافیتی داشته باشند اما حال که ملاحظه میکنم این مطلب بر
 خلاف کمال سابق بوده و من هم مانند شما طالب آنستم که
 دوستی و مودت و دوستی در وزیر و وزیر تراید باشد بخدمت
 آن تجار مغرب بملکت فرانسه و التفاتی که اعلیحضرت امپراطور
 نسبت با آنها کرده است باعث الهیجان خاطر امالی طرفین گردیده
 خصوصه اهل تجارت انگلیس که از اینمغی بسیار مفاخرت دارند
 امید داشته اند که دوستی دوستان انگلیس و فرانسه
 مستحکم و برقرار باشد

پروستیه

در روزنامه این ولایت نوشته بود که با منای دولت معلوم شده بود که بعضی از مفسدین آنجا میجو استند آسوب برپا نمایند و دولت را برسم بزنند در روز شنبه پانزدهم حجازی الثانی دیوانیان آنجا بخانه آن اشخاص که کمان افشاد در باره آنها داشته غفله ریختند پیش از آنکه اغتشاش در میدان برور کند چونکه چاکران دیوان آنجا دیدند که بعضی از مفسدین با آنجا آمد و رفت میکردند بطوریکه کمان مسکری در میخواستند در شهر برلین پای تخت پروستیه آسوب و اغتشاش برپا نمایند و از لندن هم خبر داشتند که فرارهای پروستیه در آنجا اسباب حرب میخریدند و تمیای میکردند و در یکجائی در شهر برلین هم کارخانه باروط و فشنگ حبشی و غیره با بچه ششاد و شش نفر را گرفته مجبوس کردند و لکن سی و نهم از آنها را مرخص کردند و چونکه امنای دولت زود خبر داشتند امید داشتند که طوری مراقبت نمایند که نظم ولایت بهم نرسد

ناپولی

درین مملکت نیز مردم در خوف و ترس بودند و میترسیدند که دوباره آسوب و برسم حوزدگی در آن ولایت روی بیاورد زیرا که در جزیره سیسیلیا که جزو مملکت ناپولی است یک سرباز در کوچه های شهر کشته شده بود و وقتی که نعش او را بردند همان خبر که باورده بودند در سینه اش بود و بروی خنجر کمانی چسبانده در او نوشته بودند که این انتقام منبری است یکی از شرزه های آنجا چند نفر را گرفته مجبوس کرده بود و پنج نفر را که در نزدشان اسباب حرب یافته معلوم شد که شریک مفسدین هستند بعد از سیاست در آورده و ادا هستند

سربازان بروی آنها شلیک کردند و سردار آنجا حکم کرد و آن حکم را چاپ زده و بدیوارهای شهرها و قصبه های آن جزیره چسبانند و خلق را خبر کرده اند که اگر کسی شریک مفسدین باشد کمال سختی از جانب دولت خواهد دید و قشک خبر این که از شش شهر ناپولی رسید هر چه اهل سیسیلیا بود از آن بیرون کردند و اخراج نمودند که به سیسیلیا بروند

سویس

دولت جمهوری این مملکت در سر این مطلب استاده اند که دخل و تصرف دول خارج در امورات سویس ممنوع با و قبول نکنند گفتگوی زیاد دول استریه و پروستیه و غیره حرف آخرشان سه تکلیف بود که بدولت سویس کرده بودند اول اینکه فراریها هر کس که باشند از ولایت سویس بیرون بکنند دوم اینکه کشیهائی که از قسم مذکور کتولیک عیسوی میباشد و چند سال پیش ازین از سویس اخراج شده بودند اذن باشد که سویس را حجت نمایند بیکه دولت سویس نمند کند که بعد ازین عملی نکند که باعث کله دول باشد دولت سویس بچگونه اسم این تکلیف قبول کرده و سه تکلیف بدولت استریه و غیره کرده اند یکی اینکه جمع کردن قشون را در سرحد خودشان فوراً متوقف نمایند دیگر آنکه اهل تسین را که رعایای دولت سویس اند و از شهر میلان و ممالک آن اطراف اخراج شده اند اذن باشد که بولایت خود را حجت نمایند دیگر آنکه هر چه اهل تسین در اوقات اخراج شدن ضرر خدایت کشیده باشند دولت استریه از عهده ضرر آنها برآید

احوال متفرقه

۷۵۱

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بیست روز از عهد نوردو
ملخ در جزیره مطنین برود کرده بود اسمعیل شاه حاکم جزیره مزبور حکم
کرده بود که رعایای اهل آنجا در دفع ملخ بیرون بیایند و حوس
نیز که روز با کل اهل آن جزیره بیرون آمدن مشغول گشتن ملخ کردند

اگر حاصل این جزیره زیتون است و که در آن حلق از وادوستند
این حاصل است که هم غنمش اگر قبحه خارج میفرستند هم خود
زیتون را نمک سود کرده میفرستند و چون که درخت زیتون
در جزیره مزبور قدری کسب شده بود بسیار شوش داشتند
که از ملخ خرابی بجای زیتون بسد بسیار در املاف میخوردند

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در وان سجانیه
که سابقا سفیر کبریا مویملکت ایران بود رفته بود در خانه شایسته
در محله اشکو دار است در وان از آنجا یک شمشیر مرصع که
سنگ الماس بر نیانت تراش داشت و آنرا یک خونی
و نارنجیل و سایر اسباب برده اند اهل نظام سبک و
خبردار شد بعقب در وان فرستند و کمان داشتند که آنها

به دست بیاورند
در یکی از شعبهای رود نیل که از دیات مسکندر بنا دارند که
درین روزها پل بسازند از برای تردد کال که بخار در راه
این و این پل را بطوری میسازند که گشتی در زیرش عبور نماید

در شهر مدینه پای تخت اسپانیول بنا دارند که بجای خانه نامه
بنازند و تا پنج هفتم جمادی الاول پادشاه آنجا بمقامی که این
بجای خانه را میسازند رفته و سنگ اول میان بجای خانه
مزبور را بدست خود بکار گذاشته است

در شهر مدینه پای تخت اسپانیول بنا دارند که بجای خانه نامه
بنازند و تا پنج هفتم جمادی الاول پادشاه آنجا بمقامی که این
بجای خانه را میسازند رفته و سنگ اول میان بجای خانه
مزبور را بدست خود بکار گذاشته است

بعضی اوقات آفتاب دو یا سه بطن می آید و سبب آن
میدانند از قراریکه نوشته بودند در روز سه شنبه ششم جمادی
سه آفتاب پیدا شد که یکی اصل بود و در دو طرفش دو آفتاب
عکس او و در روز او چند دایره مانند قوس قرمز پیدا شد

یکی از کبرمای شهر بستانی که فراموشی کو آنجی می نامند بجاوت
و اعمال خیر مشهور بود درین روزها فوت شده است و اموال
داشت و اکثر آن اموال را در ساختن مدرسه سبجه تربیت
و بیمارخانه سبجه مریض و ساختن دریاچه سبجه نگاهداشتن است
و سایر اعمال خیر و احسان مصرف کرده است و مشارالیه
یکی از دیوانیان شهر بستانی بود

درین روزها کشتی تجارتی در ولایت انگلیس تازه ساخته اند
که مخصوص سفر چین باشد چون اکثر تجارت از چین با انگلیس
جای است و اگر این چای در روی دربار زیاد بماند ضایع میشود
از آنجهت سعی می کنند که کشتی تند رو بسازند که زود بمقصد
برسد سابقا کشتیها از چین تا انگلیس در مدت پنج ماه می
حال بطوری کشتیها را تیز روی میسازند که در سه ماه از چین

انگلیس می آید
اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحق
باسه چی در نزدیکی دروازه دولاب لطیف بیع شده از آنجا
فروخته می شود

احتجاج شیخ طبری شهراردینار
مجالس المتقین بیت و دو هزار و نصد
مجمع البیان شش تومان

روزنامه قایم انقابت سنج یوم پشمه عزت ماه رمضان المبارک مطابق سال اول سنه ۱۲۸۱

مطبوعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک سطر الی چهار سطر
بیشتر با شش سطر



نزد صد پست و نیم
قیمت روزنامه
یک نسخه دوشنبه یکساله
صفت چهار سطر

احبار و اخلاص مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

شده بوده است و لکن درین چند روز از قراریکه نوشته شده
کمال علامت و اعتدال در هوای آنجا به هم رسیده است
ناخوشی و با که مدتی است در شهر طهران است درین اوقات
تخفیف کلی بافته است یک وقتی از شدتی که داشت تخفیف
باقی بود بطوریکه روزی سی و دو و سی و سه نفر میمیرند
بعد از قدری شدت نموده بالا رفت که بر روزی چهل
چهل و پنج نفر رسید حال چند روز است که بسیار کم شد
بطوریکه روزی پانزده و شانزده نفر میمیرند و بیست نفر
نمیرند و امید کلی است که انشاء الله تعالی درین چند روز
بالمتره رفع بشود در چند جای از دوات شیران قسم این
ناخوشی است از جمیع درختش و چار آن و بنیاد آن
و او زلزله و غیره و لکن در آنجا از اول قسم شدت
نداشت و حال قسم شدت ندارد
بهار اسال در دارالخلافه طهران بارندگی زیاد است و
طوفان و رعد و برق اکثر روزها در حول و جوش شهر
بود و این بارندگی زیاد به بعضی از حاصل قدری نمر میزند

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه های هفته گذشته
نوشته شده است در سیلابی آفات شریف دارد و لکن
درین روزها مقام اردوی هایدون را چند قدم تغییر دادند
و فی الحقیقت عوض کردن مقام اردو در همه اوقات
بسیار خوب است خاصه درین اوقات زیرا که وقتی
که اردو مدتی در یک جا اقامت نماید با قطع سبب
کثرت جمیع اجداث عفونت خواهد شد هر چند که کسی
در پاکیزگی اردو نماید باز کم و بیش عفونت بهم خواهد رسید
و باین وجه تغییر دادن مکان اردو که هر چند روز یکبار
صفا و خرمی دارد و بروز بسیار خوب است و در وقت
توقف موبک هایدون در جای اول چند نفر ناخوشی
و بافت شده بودند و لکن از قراریکه تحقیق شده معلوم
گردد از اشخاصی بوده اند که در شهر این ناخوشی را
گرفته بوده اند چونکه درین مالک این ناخوشی در کوهها
بر تپه که برف جاوید دارد سربایت نمی کند در اول توقف
اردوی اعلیحضرت پادشاهی در آنجا هوا بسیار سرد است

۷۵۲

از جمله کرم که قبلاً در دست شده و دانه کم بسته است
 بسبب زیادتی بارندگی در بعضی جایها بروی سم خوابیده
 رنگ زده است اما درین چند روز باقتضای فصل هوای
 گرم شده است و در روز چهارشنبه گذشته بار بار
 زیاد و در کوه سبزه ان شده و آب سبیل از دانه و تک و این
 جاری گردید و بشهر رسید و لکن چندان قوتی نداشت و خرابی
 بیجان ترسانه سیلهای این اوقات خرابی بکار نرساند و قوت
 رسانده است و بعضی از قنات را با لمره پراخاک و سنگ
 که مانع از جاری شدن آب گردید است از جمله قنات قهر کرد
 که بارک مبارک می آید با لمره خوابیده است و چند روز است
 که آبش قطع گردیده و نمی آید و چون برای امالی دارالخلافه
 کم آبی مشکلی حاصل بود و نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار از
 حکمران دارالخلافه طهران و توابع آدم گماشته و از آب کرج بعضی
 آبهای شیرین داخل شهر نمودند که خلق بجهت آب تنگ می گشته
 و آب موافق عدالت در میان مردم تقسیم بشود تا وقتی که قنات
 تنقیه شده ایشان جاری گردد

درین نوشتن روزنامه اخبار از اردوی عالیجناب
 و از فراری که نوشته بودند اعلیحضرت پادشاهی بجهت خوبی
 آب و هوای سیلاق انامه که مطبوع خاطر ملوکانه افتاده است
 تا پانزدهم ماه مبارک رمضان را در آنجا توقف میفرمایند
 و بعد از آن بیسلاقات نزدیک دارالخلافه طهران
 خواهند آورد

امورات قسونی

درین اوقات مرحوم علیخان سوادکوی بجزایر حمت الهی بپوشیده
 و نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار از شیر میرزا حکمران دار

طهران حکم نمودند که نقش او را با کمال افترا و احترام برودند
 و چاکران دیوان و میرنجهگان و تیرسپان و مرسنگان
 و سایر صاحب منصبان نظامی در شمع جنازه او حاضر گردیدند
 و لوازم احترام را معمول داشتند و نظر خدمات مرحوم
 اولیای دولت قاهره حب الاشاده العلیه عالیجاه میرزا
 کریمخان را که بفرستکی فوج سوادکوی سرافراز بود بجای مرحوم
 مشارالیه برقرار نمودند و دستخط مبارک بجهت سرافرازی و بیابان
 و امیدداری او شرف صدور یافته و یکتوبه فیضی از زری و
 یکبطاقه شال ترمه برسم خلفت مبارک الهیه حمت و عنایت
 گردیده و مقرر شد که خدماتی که مرحوم علیخان محول بود آپس
 فرادلی عمارت ارک سلطانی و خزانه و حفظ وجود مبارک
 حکاکان عالیجاه میرزا کریمخان محول باشد و هم چنین محول
 و مواجب و تبول که در حق مرحوم مزبور برقرار بود در وجه عالیجاه
 مشارالیه حمت و واکدار باشد و کمال التفات و دلجوئی
 از جانب الیای دولت قاهره العلیه در حق او مبذول آمد

در اوایل بروز کردن ناخوشی و باخپانچه در روزنامه سابق
 نوشته شده است انسانی دولت قاهره چند فوج را که در
 دارالخلافه متوقف بودند مازون نمودند که بجایای خوش
 حرم که نزدیک دارالخلافه باشد رفته اردو بزنند ازین
 حالا اگر ایشان مرضی شده اند و از قشون متوقف دارالخلافه
 مقرب انخافان فغان آقا سرتب توپخانه مبارک که با تپانچه
 در دارالخلافه توقف دارند و فوج ابوالکحیمی مقرب انخافان
 محمدخان میرنجه در بالای نگارستان اردو زده اند و
 فوج قدیم جدید کزازی ابوالکحیمی مقرب انخافان علیستغنی خان
 سرتب و ربالای مانع الیخانی میباشند و فوج سوادکوی

۷۵۴

۲

خیاچه نوشتند شد قراول عمارات مبارکه ارک و خزان
و غیره میباشند و فوج فدوی قراکوزلو ابوجحیی میباشند
مصطفی قلیخان میرنجه قراول قراونخانهای شده و عالیجاه
اقا رضاخان نایب اجودان باشی از جانب امیرالامرا العظام
سردار کثیر الاقدار کلعبا که منصوره همه روزه در اطراف
نظامی ارک مشغول انتظام امورات قشونی میباشد و در
انجام خدمات محوله بجهت کمال سعی و استقامت را دارد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
بودند عالیجاه نصرالله خان سردنک فوج کلپا بگانی که
با فوج حوزب الامرا محمود فارس بود و وارد اصفهان
گردیده و بعد از چند روز توقف در آنجا در بیت و چشم
ماه رجب المرجب روانه شیراز گردیده اند و چند روزیکه
در اصفهان توقف داشته اند در کمال نظم و درستی
حرکت کرده اند بطوریکه مطلقا خلاف قاعده و بی اعتدالی
ناشی و صادر نشده است و از قراریکه نوشته بودند
اصفهان کمال رضامندی از حسن سلوک در رفتار فوج مزبور
داشته اند و در سایر منازل عرض راه هم همین نظم
حرکت کرده اند

قشم

از قراریکه در روزنامه قشم نوشته شده بود درین اوقات
که ناخوشی و باور و اختلاف حادث شده بود و آرزوی قلم
رفته اند بجهتیکه نوشته بودند که در آنجا خانه که خالی از زوار
باقی نمانده است و از کثرت جمعیت در روی قبرستانهای
آنجا جا در زده اند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود در بلوک حیرت
که یکی از بلوکات کرمان است درین اوقات مگرکی باریده است
که هر دانه پنج سیر وزن داشته است و حیوانات و نباتات
هر دو ضرر رسانده است حتی از قراریکه نوشته بودند در وقت
باریدن مگرک بگنگه کوه سفدر که در صحرا بوده اند گنگا گشته
و تلف کرده است و چند نفر آدم را معیوب و اعضای آنها را
ناقص کرده و چند روس کا و ابراهیم تلف کرده است

دیگر نوشته بودند که بند و بروج شهر کرمان خرابی زیاد
چنانکه مال باری از قبیل شتر و غیره از رختهای آن تردد
میکرده است و این رکب از نقص و ضرری در عمل مذکور
استجا هم میرسد است این اوقات امیرالامرا العظام
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان ادم گذاشته است
که خزانههای آنجا را تعمیر نمایند و بناه عمده همه روزه مشغول
تعمیر میباشند

دیگر از امورات غریبه که در روزنامه اینولایت نوشته
بود این بود که شخصی چند بیضه تخم جبهه بیرون آوردن
جوجه در زیر مرغ خانگی گذاشته بود و همینکه جوجه بیرون
آوردن جوجه رسیده بود از چند بیضه که شکسته بود
جوجه معاد بیرون آمد است و از یک تخم دیگر که شکسته
عجیب غریب جوجه بیرون آمد با بی نظیر که دو سر داشته
و در یک سر چشم و سه منقار داشته و در سر
دیگر چشم داشته است و سه منقار و سایر اعضای او
مستوی الحلقه بوده است و چند روز هم زنده بوده و در
منجورده است بعد از آن مرده است

کرمانشاهان

بعلت قلت آب و تشکی و عسرت نباشند
خراسان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود نواب
شاهزاده والا تبار عماد الدوله امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان
در سیزدهم ماه رجب المرجب وارد کرمانشاهان گردیده
اعیان و اشراف و ولایت و عموم نوکران بکلیت با ما میباشند
به استقبال نموده و نواب سرتی الیه را با کمال احترام وارد
شهر کرده اند و فوج نهاد و ندی نیز در بیرون شهر همه روزه
مسئول مشق میباشند و کمال نظم حرکت میکنند

از قرار یک در روزنامه شاهپور نوشته شده بود در
هفدهم ماه رجب المرجب زوار کثیری در آنجا مجتمع شدند
بوده اند و از آنجا روانه ارض اهدس گردیده سفری
که از شاهپور دور شده بوده اند هم سفر بسیار
از طایفه صالار ترکانیه که سخته تاخت و تاز زوار و قوای
در آن صحرا کرده اش میگردانند نسبت زوار آمده بوده
سواران کورداری که عالیجاه مطلب خان لشکر از خاصه کورد
سواره کورداری و بطایمی بجهت محافظت زوار همسرا کرده
بود است ترکانان مزبور را تعاقب نموده یک نفر را
و یک نفر دیگر را زنج و دستگیر نموده بودند و یکی دیگر
فرار نموده بود و یکی زوار از این معنی خوشحال گردیده کمال
شکر کذری از فرار داد اولیای دولت قاهر که برای
محافظت طرق و شوارع سواران مزبور را بجا داشته اند
بنموده اند عالیجاه مطلب خان حسب الامر علیحضرت پادشاه
سرب کردی سواره کورداری و بطایمی و محافظت زوار و قوای
مذوقی است که مامور است و از قرار یک در روزنامه های آنجا
نویسند همیشه اوقات کمال اهتمام در این نظام
آن را جهاد دارد و سواره ابویحیی مشا را الیه دایم الاوقات
حیاه آماده اند و بر دسته از زوار که بارض اهدس
یا از ارض اهدس بر اجبت می کنند در دوسه منزل مخوف
که اغلب اوقات محل تاخت و تاز ترکان است سواران
مزبور همسرا زوار بوده آنها را بی سبب میزند و میسازند
سبب حصول دعا کونی تجویز است و ترکان است زیرا که دایم بی سبب

فوج بزرگوار که از دربارهای نواب کرمانشاهان شده بود
بعد از ورود و آنجا چون در میدان سربازخانه جا برای آنجا
بوده است در بیرون شهر نزدیک پادشاهان آنجا
زده اند و بطوری با نظم و قاعده حرکت کرده اند که از احدی
دست لغدی و تطاول بی برک و رختی دراز نشد است و با
شهر کمال رضامندی از حسن سلوک و رفتار آنها داشته
و نواب شاهزاده عماد الدوله عالیجاه مدتیچان سربازکشی
اهتمام و مراقبت که در نظم فوج خود بعمل آورده است خلقت داده

دیگر نوشته بودند که دو نفر آب که یکی مشهور به نهر و لنگان
و دیگری شهر به نهر که هر دو مجزوب شده بوده است
کلی آنجا در تابستان با مالی کرمانشاهان بسکند
چون نواب شاهزاده عماد الدوله که سواره اوقات خود را
نظم و آبادی و ولایت و رفاه حال و سود کی حبت مصروف
دارد هر دو نهر مزبور را حکم کرده است متعین نمایند و
مقتی و علامت حکم در کار تقیه نهرین مزبورند که پاک نموده
است آنها را جاری سازند که در تابستانها مالی آنرا

۷۵۶

اجبار دول خارجه

در روزنامه های فرانسه نوشته اند که اعلیحضرت امپراتور
 فرانسه و زوجه او بنا داشته اند که نسبت جنوب و لات
 فرانسه گشت و سیاحت نمایند چند وقت پیش ازین گفتگو
 در روزنامه فرانسه و سایر روزنامه های فرانسه آن بود
 که پاپای رومه که بزرگ مذهب کاتولیک عیسوی میباشد
 بمحاکمات شرانہ بیاید بجهت جلوس لوی ناپلیان امپراطور فرانسه
 این گفتگو باز در میان است و امنای دولت فرانسه
 سعی و کوشش میکنند که پاپا بمحاکمات فرانسه بیاید آنوقت
 بنا بود که پاپا بولایت فرانسه بیاید و از آنجا برود بولایت
 استریم و از آنجا راه محبت بمحاکمات ایتالیا و ولایت خود
 بکند پاپای رومه کمال رضامندی از دولت فرانسه دارد
 بچند سبب یکی آنکه در ایام اغتشاش رومه فرانسه قشون
 بائدا و پاپا فرستاده یا عیان رومه را شکست دادند و پاپا
 دوباره بجای خودش برقرار و مستقل نمودند و سبب دیگر
 اینکه بعد از تسلط لوی ناپلیان در ولایت فرانسه بمذهب
 کاتولیک در آن ولایت قوت گرفته است و لکن احتمال میرود
 که سایر پادشاهان فرانسه آن که از مذهب کاتولیک میباشد
 راضی نشوند که پاپا بفرانسه رفته تاج بسلوئی ناپلیان بگذارد
 زیرا که بقانون ارمنی تاج و تخت دولت فرانسه را حق
 انزلی سینک میباشد اندک از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
 و اگر پاپا بدست خود تاج بسلوئی ناپلیان بگذارد و خلافت
 قانون موروثی پادشاهانست که از مذهب کاتولیک عیسوی میباشد
 و اول انگلیس و پروس و بنو و روم و بعضی از سایر دول قریب
 دولت یکی و نیای شماری درین گفتگو هیچ مدخلیتی نداشته

ذیرا که آنها از مذهب کاتولیک نیستند

از انگلیس خبری تازم بر سر است مشورتخانه خوین و دکلهای
 رعایا از دهم جمادی الشانی تا بیت چهارم ماه فروردین
 از اجلاس مشورتخانه و گذراندن امورات دولتی مشورت
 بوده انور و مشورت جمع شده اند بجهت عیدی که در آن وقت
 دارند
 در باب مقصدین پرورستی که میخواهند در برلین بمانند
 اجتماعت شش و شوب نموده و دولت را برسم بزنند
 در آنکه نوشته بودند دولت روم خبردار شده بسیاری
 مقصدین را گرفته بودند و مکان نمیشدند که مقصدین اجتماع
 دیگر تواند مصدر افتاد می بشوند
 تفصیل گفتگوی دولت روس با دولت استریم و پروسیه و
 از دول قریب در روزنامه هفت گشته نوشته شد از قرار
 در روزنامه های آن ولایت نوشته اند دولت روس در
 مطلب خود سخت استنادی کرده است و از قشون استریم
 که در سرحد روسیه توقف دارند هر روز مردم زیاد فرار
 میکردند و بولایت روسیه میرفتند
 احوالات متفرقه
 در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که یکی از نقاشان مشهور
 که چند طاق عمارت بشیک طاش سلطان را در اسلامبول بقاعده یکی نقاش
 و چونکه این نقاش بسیار قابل مشهور است درین روز کارهای کرده است
 که یا تا بحال اینطور نقاشی در هیچ جا نشده با اینبار در ولایت فرانسه
 در پرده بیکشده و بعد از آن با اسلامبول میرسند و انتخاب
 درین علم سررشته دارند کار نقاشی فروردین
 تقریب بنمایند

۷۵۷

جمعی از اعیان انگلیس که بنا دارند نهری بسازند در خشکی بازم
 باین سبب دنیای جنوبی و شمالی که گشتنها از بحر محیط
 تا بحر محیط معتدل در آن عبور نمایند بخدمت امپراطور
 رفتند و عریضه داده و استدعا کرده اند که او نیز در
 نهر مزبور ایداد نماید زیرا که نهر مزبور بجهت تردد کشتیهای کل
 اهل روی زمین است و خیر ساختن آن همه کس میرسد از آنجهت
 امید داشتند که دولت فرانس نیز در ساختن نهر مزبور
 بتواند ایداد بکنند و غیر از راه نهر مزبور بنا دارند که راه آهن
 در میان آنجا بجهت تردد کالسکه بخار بسازند چونکه بجهت معدن طلا
 کلی فارسیا تراد و خلق در آن صفحات بسیار میشود بجان
 دارند که هم نهر و هم راه آهن بجهت کسانی که در ساختن
 آنها خواه مایه بگذارد منفعت زیاد حاصل نماید
 در اوقالی که اعیان شهر لندن در پای تخت فرانس بودند
 امپراطور فرانس معانی سنگین با زینت و اوضاع تمام کرد
 و چهار هزار و دویست نفر آن معانی طلبیدند و خودش
 با زوجه اش در آن معانی تشریف داشتند و کمال تکلف
 و زینت در مجلس معانی تریب داده بودند
 باین دولت نیزه درین اوقات گفتگونی شده است در باب
 امور آن مملکت بویس و دولت پر دینت منظرش این
 بوده است که بدولت بویس سخت گیری نشود و بچی که بچنان
 آن دولت و دولت نیزه است باصلاح بگذرد و لکن دولت
 استریخت گیری میکرد و پوسته قشون متعاقب یکدیگر
 بویس میرستاد و یکی از وزرای بویس بشهر میوزر رفتند

۷۵۸

و در آنجا وزرای ساپردول نیزه آمدند که بیکجا میوزر
 بنشینند که در باب معنیدین کل ولایت نیزه گفتگو نموده
 بگذارد که طوری بشود که نگذارند که معنیدین مزبور در ممالک
 دوباره افتاد و نقاشی برپا نمایند و زبردت مملکت نیزه
 منظورش این بود که پادشاه استریخت از تقصیر معنیدین که فر
 کرده و بخارج فرستد بودند و تقصیرشان جزئی بود که گشت
 فرمایند اما وزرای دیگر قول او را قبول نکرده و گفته بودند که بجهت
 دولت تسویش دارد که چنین اشخاص را اذن بدهند که
 داخل خاک استریخت شوند
 در روزنامه اسلامبول که در زمان ده گانستین پوپول میاند
 و بزبان فرانس چاپ میشود نوشته بودند که نزدیک شهر
 مدتی بود که دزدان جبر شده بودند در عمل خودشان بسیار
 از تبت بخلق میرسانیدند حتی بعضی از مردم را که در بیرون
 شهر میگذشتند میزدند و نگاه میداشتند و تا بول از او پیش
 میگذشتند او را را میگردند اما بعد از ورود عالی پاد که بگومت
 آن صفحات نامور شده است نظم در آنجا گذاشته است
 و بسیاری از مردمان الواطه هفتد و بیکار را از آنجا اخراج
 کرده است میان دزدان از طوائف متفرقه آن صفحات بودند
 خصوصاً از طایفه یونان و یکی هم از رعایای استریخت بود که آن
 او در میان دزدان مشهور بود این شخص با بونول خبرال دولت
 استریخت که در اختیار است سپردند که بولایت خودش بفرستند
 که در آنجا سر او را عمل خودش تنبیه شود و مشار البید را
 حکم کرده اند که ده سال مجوس با در بجز در دست و پان
 خلکی مشغول باشد و یکی دیگر هم از دزدان مزبور بود حکم
 که ده سال مجوس باشد و او نیز بهمان طریق دست و پا

مشول فعلی باشد و یکی از دزدان دریا هم که مشهور بود
چاکران دولت افتاده بود

ایضا در همان روزنامه حساب تجارت طرازان را در
سه گذشته نوشته اند و کل مال التجاره که با آنها آمد

برده شده است مفصلا نوشته اند و قیمت اجناسی که
که در کمال رفته بود در وقت و پست و چهار طایان و صد

هفتاد و نه هزار و سیصد فروش بود که بحساب پول ایران
شست و دو هزار و سیصد و شصت و سه هزار و پانصد و شصت

سه تومان می شود و این مال تجاری بود که از خارج بطرازان
داخل شده است و مال تجاری که از طرازان بخارج

فرستاده اند صد و نوزده طایان و صد و شصت و شصت
دشصد و چهل و چهار فروش بود که بحساب پول ایران

که در سیصد و شصت و دو هزار و پانصد و سی و دو تومان
کسری می شود و چون که مال که از خارج آورده اند زیادتر از

آن است که بیرون فرستاده اند حساب کرده اند که تمه
این تنخواه به پول نقد است تجارت عمده طرازان با

ایران است که مال از فرنگستان با خجالی آورند و با بران
می کنند و هم چنین مال ایران از طرازان راه طرازان

و فرنگستان می رود از جمله مال التجاره که از آنها ساج
شال و ابریشم و مازوج و زالودتیا کو و موتم و کورک

چوبیشاد و زعفران و صمغ از چند قسم و قنب و قش
و غیره بوده است

کشتیهای جنگی فرانس که چند وقت پیش ازین نزدیکی
پایین اسلامبول آمده بودند موافق خبر آخر که از اسلامبول

آنهاست باز در آنها توقف داشته

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که دزدان در
سوار شده بودند و به یک کشتی از ایل متسه که در بنار

رو بروی اسلامبول لنگر انداخته بودند شب حمله آورده
سه دسته دزد بودند و هر دسته در زورنی کشتی

در سه دسته بی صد ایگبار بروی کشتی آمدند چون که کشتی
انداخته بود اهل کشتی همه در اطرافهای کشتی خوابیده بودند

مگر یک پسری که بچه کشیک در بالای کشتی بود آن پسر از
رزدند و افتاد و آمد بدرا طاق کشتیها و تنبکه اهل کشتی

که در اطرافها بود یکی یکی میخواستند از در اطرافها بیرون
وزدان با شمشیر آنها را میزدند و چند نفر از کشتیها

که میخواستند از زردبان بالا بیایند زخمی شدند و
نخواستند بالا بیایند صبح قشون بحری دولتی بدریا آمد

که جستجو کرده میبیند که مرگین این عمل کدام اشخاص بوده
و نظام ضبطیه شهر اسلامبول کمال سعی و کوشش

کردن وزدان مبرور نموده و نفر را بدست آوردند و
داشتند که سایرین را هم بدست بیاورند و مردم بسیار

تعبت میکنند که دزدان دریا چگونه جور شده اند که در
نزدیکی اسلامبول اینطور عمل میکنند در دریای جزایر

یونان دایم الاوقات دزدان دریا هستند و لکن در نزد
اسلامبول تا بحال کسی نشسته بود که دزدان اینطور

نمایند
ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در روز جمعه

رجب الحش در یکی از خانههای محله قلاته اسلامبول افتاد
محمد بیک حاکم قلاته زده و مجروح شد و نظام الحش خاموش

جمع کرده و بانداختن آب از طوبه بخانه مبرور الحش و اطفال

۷۵۹

کرده و نگذاشته بود که مرآت باطراف نماید و در عاقبت
 هشت بجای دیگر محکم مزبور افتاده بود نزدیک بیایق قاپچی
 اورا هم با کمال چابکی خاموش کردند و نصف خانه بیشتر
 سوخته شده بود در خاموش کردن این آتش مجرب یک
 نظام آتش خاموش کن کمال جلدی و چابکی را عمل آورده بود
 و اگر اتهام آنها نبود چون باد شد از سمت جنوب میوزید
 بود که خرابی زیاد باشنا برشا
 این یکی دینای شمالی درین اوقات از حاکم و چاکران
 دیوانی جزیره کوچه کله ریاه دارند بخت اینکه کشتی دولتی
 یکی دینار که کتوبات حلق در میانش بود نگاه داشته
 کتوبات خلق را باز کرده بودند چونکه این عمل خلاف قانون
 دولت است اهل یکی دینا بسیار سنجیده اند و دولت
 خودشان عریضه نوشته اند که آنها نیز مانند انگلیسها
 جنگی باشنا فرستاده بازخواست از حاکم جزیره مزبور نمایند
 کتیبهای جنگی فرانس و انگلیس هم در نزدیکی جزیره کوچه
 بودند و در آنجا کت میگردند که بلکه کتیبها که غلام و
 در میانشان باشد بدست آورده ضبط نمایند
 از کلی فارسیا نوشته بودند که در آنجا سبیل زیاد شده
 بطوریکه تردد در آن ولایت مشکل بود و در بعضی جاها دریا
 ولایت آذوقه کم باشد بود
 در مملکت فرانسه قاعده است که سالی یکده امیر الطوران
 مملکت خرج عود می چند نفر جوانان را از راه جهان می کشد
 آنها را عقدت و عود می می نمایند و درین سال در کتیب
 نظره دم امیر الطور فرانس کتیب آورده و خرج عود می چند
 نفر جوانان را با عروسشان داده است و آنها را عقدت

۷۶۰

و عود می نموده اند

درین روزها یک پارچه طلا از معدن استرالیایا در آورده و به
 انگلیس فرستاده اند و داخل صرافخانه انگلیس شده است
 و وزن این یک پارچه طلا پنج من چیزی زیاد تر وزن مسک
 است عباسی ایران بوده

درین روزها در ولایت انگلیس سپانی با چرخ و عراده
 کرده اند که درختهای بزرگ را از ریشه با خاک خودش
 در می آورند و بروی عواده گذاشته بهر جای دیگر که بخواهند
 میرند و می نشاند

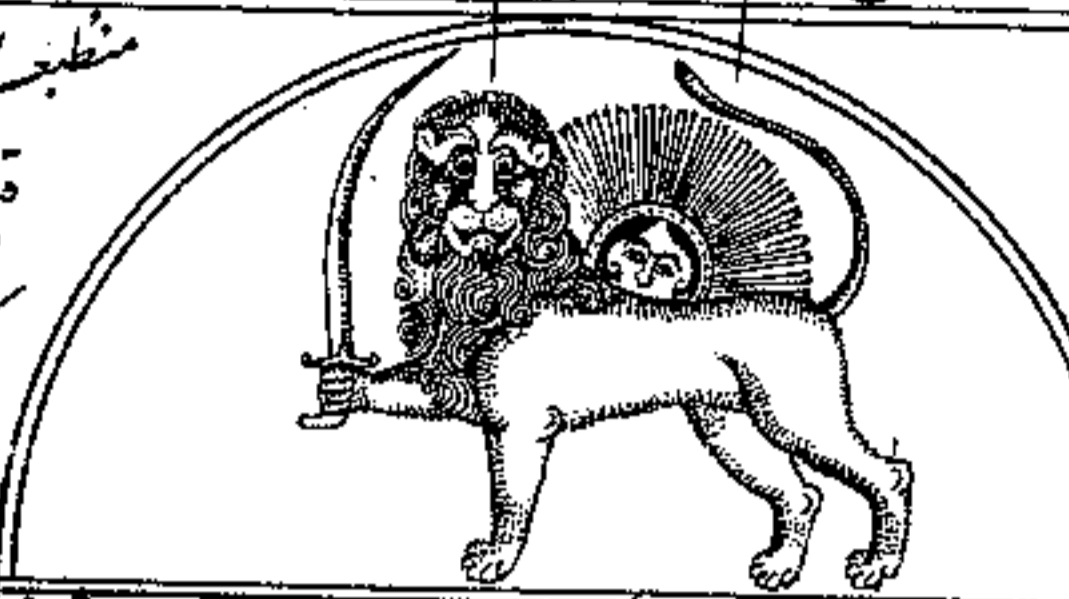
سابقا در مملکت پرورشیه این که از خارج می آوردند
 کم که زیاد داشت حال چونکه بجهت ساختن کشتی با این
 خمیاج زیاد دارند این بخت را اذن داده اند که بی
 داخل آن ولایت نمایند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمهدی با سسه چی در نزدیکی دروازه دولاب بیع
 از اینقرار فروخته میشود

- مجالس المشقین بیت و دویزه و پانصد وینار
- حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنجاهار
- سما عالم جلدی بکار الاوزار سه تومان و دویرال
- مجمع البیان مشش تومان
- تفسیر امام عسکری یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- خمسه نظامی نه هزار
- دستبان یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه ششم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۶۹

<p>منظمت دارالخلافه طهران قیمت اعلانات یک سطر از چهار سطر یکبار بیشتر به هر سطر</p>		<p>نزه صد بیت و چهارم قیمت روزنامه یک سطر از چهار سطر یکبار بیشتر به هر سطر</p>
---	--	---

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موافق خبر آخر که از اردوی پهلوی رسید علیحضرت پادشاهی کماکان در سیلاک آقامه تشریف دارند و لکن در پانزدهم ماه مبارک غزمت فرموده اند که به سیلاکات نزدیک شهر تشریف بیاورند و در بعضی اوقات سمت لواسان چند نفر از ناخوشی با گرفته بودند اما در هیچ جای آنجا شدت بدشته و هوای آن صفحات بسیار خوش و خرم است و در کابله پهلوی علیحضرت پادشاهی قلبی ارجا را بقدر ضرورت خدمت حسب الامر مستند و سایر خدمت چشم اغلب و اکثر در سیلاکات شمران چنان درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است علامت و بسادات ذوی الاحترام و زنا و عباد در مساجد و معابد مستول طاعت و عبادت و نماز حاجت و دعا کوفی دانستند پس پهلوی پادشاهی میباشند چون با عقدا و اهل اسلام حدوث بیات بوا

و نهای است در رفع آن منوط به توبه و انابه و عبادت و توسل بوجد پاک رسول مختار و ائمه الهام علیهم صلوات اللک انجبار میباشند درین سال که ناخوشی و بیماری در دارالخلافه طهران حادث شده است ایام و ماه مبارک رمضان را امر ذم شتر از سالهای دیگر به طاعات و عبادات و قیام صلوات و اعمال خیر و نوا است تمام دارند و امید کلی دارند که بسبب توسل عبادت اخبار معاصی اثر بخشیده شده و این بلیه و با نسیان درین روزها رفع بشود ناخوشی و با که حال است درین شهر است در بعضی گذشته بسیار کم شده بود حتی مردمی که این ناخوشی میبردند روزی پانزده نفر شمرند اما درین سه چهار روز باز قدری شدت کرده است و لکن نه مانند سابق و از طوریکه مذکور می شود روزی بیست نفر تا نزدیک سی نفر ازین ناخوشی تلف می شوند و در بعضی از سایر ممالک محروسه ایران نیز میگویند که این ناخوشی بروز کرده است از جمله در ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و در مملکت مازندران چند وقت

۷۶۱

و با عبادت

کمال شدت را داشت است و تقصیری غیر از اینکه
نوشته شده است و میباشند روزنامه برین

نظر بطور رحمت لوگانه در باره عالیجاه میرزا غریب خان
در باب یکی درین اوقات او را با عطای یک قطعه
شان شیر و خورشید از مرتبه اول پهنکی و
مفاخرت و سیادت فرمودند که نشان منور را آورده
پیکر افتخار و تمایز خود سازد

در بین نوشتن روزنامه مجدداً خبر از اردوی
رسیده و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بجهت
خوبی و سیلاقت آب و هوای لارغزیت فرموده اند
که چند روز تا آنجا تشریف فرما شده تفریح و سیاحت
فرمایند و چون سیلاق لار بسیار جای سردی
خوش آب و هواست و انواع شکار را از نزدیک
و ماهی در آنجا هم میرسد بخصوص ماهی قزل آلا که در
رودخانه آنجا دفر دارد و بسیار خوب می شود

خاطر اقدس طوگانه مایل تفریح آنجا گردیده و بنا بوده
که در روز چهارشنبه بفرماید یا پنجشنبه ششم موکب
با آنجا عزیمت فرمایند و از قراریکه نوشته بودند رفتن
و مراجعت شش روز طول خواهد کشید

چون چند بوم قبل از قراریکه در روزنامه نوشته
است سیل از چند جای کوهستان شمیرانات بهر آید
و بقنوات شهر خرابی رسانده بعضی قنوات را کم آب
و بعضی را بالمره سد و نموده و با مالای دار اختلاف طهران
علت قلت آب عبرت و تنگی حاصل بود خاصه درین

اوقات که ماه مبارک رمضان است از آنجا که نواب
مستطاب هزاره دالان بار بار و شیر سیر از حکمران

دار اختلاف طهران و توابع مسواره اوقات رفاه و
آسودگی خلق و حصول از یاد دعا کوئی ذات اقدس
لوگانه را طالب رغبت میباشند لهذا آدم که نوشته
که از آب رودخانه کرج و آب شمیرانات داخل شهر
نموده در محلات بطریق عدالت و سوت در میان خلق
تقسیم نموده همه فایده را رسانند که کسی از آب عبرت
و تنگی سستی نکشد تا آب قنوات جاری بشود و تقنوات
هم که سیل خرابی رسانده است معنی و عمده گشته
و در کار تقسیم میباشند اگر چه درین خصوص کمال سعی
کوشش و اهتمام از دولت معنی آید می شود و لکن تا هم
اینقدر آب که از خارج می آید کفایت حسلق را نمی
دهد و آب تنگی سستی می کشند

درین روز یک نوازه جاری بود و تقنوات
هم که سیل خرابی رسانده است معنی و عمده گشته
و در کار تقسیم میباشند اگر چه درین خصوص کمال سعی
کوشش و اهتمام از دولت معنی آید می شود و لکن تا هم
اینقدر آب که از خارج می آید کفایت حسلق را نمی
دهد و آب تنگی سستی می کشند

درین روز یک نفر سلطان از فوج کرازی روز
میکر حوزده و در کوچه راه میرفت مردم از بسکه
بمعنی می باشند خصوصه درین ایام ماه مبارک
که در میان اهل اسلام کمال حرمت را دارد و جمعی
خبر شد و بر سر او هجوم آوردند و زد و یک بود که
بجوشم عام و از دحام حسلق مشاریه اذیت دید
و تلف بشود جا کران دیوانی او را از میان از دحام
و کثرت خلق بیرون آورده و بارک مبارک که آوردند و
بعضی نواب مستطاب شاهزاده و الایبارار و شیراز
رسیده حکم بتبسیه او نمودند و لکن بعد معلوم شد

بجوشم عام و از دحام حسلق مشاریه اذیت دید
و تلف بشود جا کران دیوانی او را از میان از دحام
و کثرت خلق بیرون آورده و بارک مبارک که آوردند و
بعضی نواب مستطاب شاهزاده و الایبارار و شیراز
رسیده حکم بتبسیه او نمودند و لکن بعد معلوم شد

۷۶۲

که سبب ناخوشی و بابر سبیل مداوا خورد دست
لهذا اورا بخشیده و مرض فرسوده نمودند که بمنزل
خود برود

درین روزها عمارات مبارکات سلطانی دراز
و غیره حسب الامر اقتسایون تعمیر میشود و
عالیجاه محمد تقی خان معمار باشی باستقامت مقرب انخافان
حاجی علیخان حاجب الدوله بنا و عمد بسیار در
بنائی و تعمیرات منامی عمارات و حیوانات دیوار
کذاشته و مشغول سفیدکاری و تعمیرات لازمه میباشد
و از جانب نواب مستطاب جزوه و الاتبار در
حکمران دارالخلافه طهران و توابع و مقرب انخافان میرزا
وزیر نیز رسیدگی و اهتمامات لازمه درین باب میشود
و از عمارات جدید البنا که درین روزها ساخته
عمارت باغ نواب اموری میرزا است که بطرح چوبی
ساخته شده حال مشغول سفیدکاری و نقاشی
انجام میشوند و حتی درین دولت علیه زیاد شدن
عمارات سلطانی و تعمیر وضع آنها بحسب طرحهای
تازه بسیار بر رونق و آبادی و شهرت دارالخلافه
طهران افزوده است و شکوه شهرت حال هیچ نسبتی
بایام سابق ندارد چنانچه کسی پیشال یا پارودیشال
قبل ازین دیده با و حالا ببیند میدانند که بجا یک بلکه
بر آبادی و جمیع شکوه عمارات دارالخلافه افزوده
و چونکه خاطر اقتسایون طوکانه زیاد مایل به آبادی و عمارت
که رسم سلاصین نامدار و آثار پادشاهان کثیر الاقدار
میباشد امید کلی است که هشا و اندر اندک مدتی از عمارات

نیز آباء زودتر تشییر و از جمله شهرهای معظم بشود
افواج قاهره نظام که در بیرون دارالخلافه بودند
چندی قبل ازین ناخوشی و با کمی در بیابان شد
کرده بود و بسکن درین روز از فراری که مسکون
در میان افواج بسیار سبک گردیده و تخفیف
یافته است

سایر ولایات

از سایر ممالک محروسه درین هفت اخباری
قابل نوشتن در روزنامه کزیت باشد بنود کراچیه از
فارس و خراسان نوشته میشود

فارس

در خصوص زلزله شیراز که در چند هفت پیش درین
در روزنامه نوشته شد تفصیل آن که بعد بیست و شش روز
رسید از تقریر است که نوشته می شود و چونکه این بلای بسیار
بزرگ است و گاهی در دنیا اینطور اتفاق افتاده است و این
روزها ما بفرمانت مان و سایر جاها که میرود طالع میشوند
که تفصیل از اینها منقذ است و در روزنامه نوشته
در شب چهارشنبه بیت و پنجم ماه ربیع نزدیک
بد و ساعت صبح بازنه ناگاه زلزله سخت در
شیراز اتفاق افتاد صدای مردوزن و الحفال
بزرگ و کوچک که در زیر خرابی و خاک مانده و زخم
شده بودند با آسمان بلند گردید صدای دیوارها
و خانهها که افتادند و خراب شد و صدای زمین
که از زلزله صد میگردانند صدای رعده میت بود و بعد

صبح شد بدند که اکثر خانهای شهر از خراب کرده
 حتی کسانی که در جای دیگر شب مانده بودند صبح
 بخانههای خودشان برودند راه و محل خانهای خود را
 نمیکردند و میگویند که در بعضی از جاها خانه از جای خود
 شده و بلند کرده بجای دیگر افتاده است و بجای آن
 خانه که بجای دیگر افتاده است کعبه از زمین بیرون
 آمده است و در بعضی جاها کعبه خانه بود بعد از زلزله
 سنگ و آجر و سبب خرابی خانه پیدا می شد از هر خراب
 صدای ناله و جرج و فرغ خلق بیرون می آمد بعضی از خلق
 شده و بعضی زنده در زیر خرابیها بودند و کسی که
 مردم را از زیر خاک و خرابیها بیرون می آوردند اکثر
 اموات مجال و فرصت غسل کردن و کفن نمودن نبود
 میان چادرشها پیچیده و بدوش فخله و علف داده بیرون
 میبردند در جانی مرد زمین را می کند که عیال و اطهار
 خود را از زیر خاک بیرون بیاورد و در جانی عیال و
 زمین را می کنند که مرد خود را در بیاورد و در بعضی جاها
 که بیل و کلنگ و سبب نبود خلق از مرد و زن و اطهار
 زمین را بناخن می کنند که گمان خود را از زیر
 بیرون بیاورند اگر چه بجز اکثر خرابیها صدای ناله و جرج
 می آمد و لکن بسیار کم زنده سالم بیرون آمدند و بعضی
 از زخم داران را نیز که زنده بیرون می آوردند بعد از
 بیرون آمدن میبردند تا سه روز مشغولیت اهل شهر از
 بیرون آوردن مرده از زیر خاک بود و وقتی که فی الجمله
 فراغتی ازین بلیه حاصل شده بود بلائی دیگر اهل این شهر
 داد از جمله آنکه کعبه مرده در بیرون ماند و دفن کرده بود

۷۶۴

از بوی عفونت آنها ناخوشی تب محرقه و مطبوعه بزرگ و در دزدان
 مجال یافته بنای دزدی بیرون آوردن و بیرون اموال مردم را
 گذاشته تاریخ کاغذ آخر اینو لایق بختیم بخان بود و آنوقت با زمین کا
 حرکت دادیم مردم این سبب مشغول تفرقه بودند و در راه از زمین زلزله

تلف شده اند خراسان

از خرابی که در روزنامه خراسان نوشته شده بود این اتفاق
 جمعی از ترکمانان که بجزم تاخت و تاز و اربط و تاخت هر
 آمده بوده اند عالیجاه محمد حسین خان مطالع کردین فوراً
 جمعی از سواره سپاده همراه خود برداشته و رفته همه
 که معبر ترکمانان مزبور است گرفته و سپاه دکان را در آنجا
 محکم ساخته و خود با شصده نفر سوار سبب سیابان انگ
 حرکت کرده است ترکمانان نیز منقطع شده بعد از هزار سوار
 که بوده اند بیانات اجتماعی بمقامه پیش آمده و بنای مجادله
 گذاشته بودند عالیجاه محمد حسین خان دسواره او نیز
 کمال رشادت و تهور و بی باکی را ظاهر ساخته بکعبه
 با ششصد نفری آخته لب به ترکمانان مزبور انداخته و در آن
 گردیده پس نفر از آن طایفه ضا که را مقتول ساخته
 و پانزده نفر را نیز زنده دستگیر کرده اند و بقیه
 متفرق گشته بعد از آنکه رشته جمعیتان رشادت
 و غلبه عالیجاه محمد حسین خان دسواره او از یکدیگر گسیخته
 بجز فرار چاره ندانستند و مسکی فرار کرده و فرستاده
 و همیشه نتوانسته اند بزوار و قوافل دست اندازی
 نمایند بلکه جان از آن نملکه بیرون بردن را غنیمت دانسته
 و فرار کرده اند عالیجاه محمد حسین خان دسواره او با سپاه
 و سران مراجعت کرده اند